



طهورا

فصلنامه فرهنگی قرآنی
کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

سال هشتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۴۰۱
قیمت ۵۰۰۰ تومان



سفر روح
اعتبار دهر
خورشید هشتم
فرهنگ پهلوانی در سیره اهل بیت (ع)
بررسی تاثیر اعجاز زبانی در سوره الرحمن

۹...



الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَمَّتْ عَلَيْكُمْ النَّعْمَةُ

کانون قرآن پژوهان دانشگاه بیرجند و کانون های قرآن و عترت دانشگاه های یزد، صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، صنعتی اراک، شهید بهشتی تهران، ارومیه، دامغان، شیراز، فنی مهندسی گلپایگان، اراک و فنی مهندسی اسفراین **به مناسبت دهه ولایت و امامت (عید قربان تا عید غدیر)** برگزار می کنند:

بهار عمیری

مسابقه:

انتشار محتوا همراه با درج لینک سوالات مسابقات روزانه از ۲۰ الی ۲۷ تیرماه در کانال و پیج کانون های مذکور همراه با جوایز نقدی و غیر نقدی ارزنده

وبینار:

سه شنبه ۲۸ تیرماه ۱۴۰۱، همراه با مسابقه (لینک ورود و ساعت برگزاری وبینار متعاقباً اطلاع رسانی خواهد شد.)

سخنران: حجت الاسلام مهدوی ارفع
بنیانگذار نهضت جهانی نهج البلاغه خوانی



جهت کسب اطلاعات بیشتر به آیدی [bahar_ham_ahdi](https://www.instagram.com/bahar_ham_ahdi) مراجعه نمایید



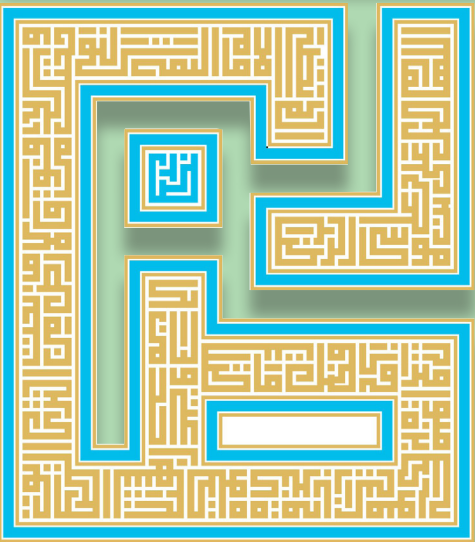
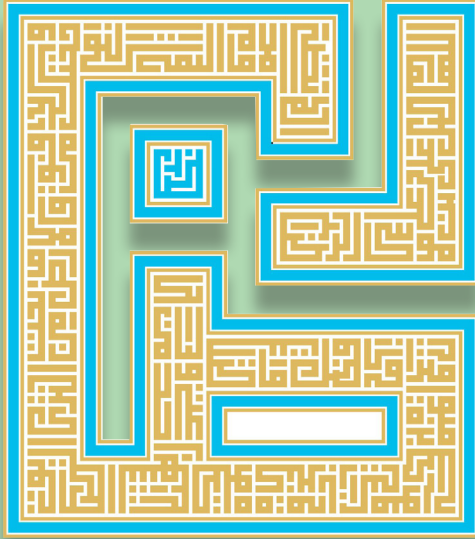
السلامة



طرح روی جلد: بخشی از تابلوی ضامن آهو، اثر استاد محمود فرشچیان

السنه الثامن

طهورا



فصلنامه فرهنگی قرآنی طهورا

سال هشتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: فاطمه سلحشور

سر دبیر: ثمین توان

ویراستار: ثمین توان

طراح و صفحه آرا: آرین محزون

هیئت تحریریه: زهرا شمشیری، لیلا حاجی، زینب

مختاری، کلثوم رضایی، فرشته محمدپور، فهمیه

محمدپور، زهره عامری، فاطمه سلحشور، ثمین توان،

جمیله انصاری پور، علی رستگار، علیرضا ستایشگر،

احمد رضا پوردرویش

شماره مجوز: ۲۲۳/ک ن ش

لطفاً جهت همکاری با نشریه طهورا و کسب اطلاعات

بیشتر با شماره ۰۹۱۰۳۴۶۷۸۳۸ ارتباط برقرار کنید.



quranshirazu



quranshirazu



quranshirazu



Quranshirazu



<http://farhangi.shirazu.ac.ir>



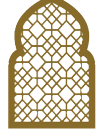
فہرست



سخن سردبیر
۶



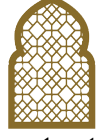
مصاحبہ با جناب آقای حسین پزندک
۲۴



سفر روح
۷



تلخیص کتاب حضرت امام حسن
۲۸



اعتبار دھر
۹



گزارش جشن طلوع کرامت
۴۱



خورشید ہشتم
۲۹



افطاری بایک غیرمسلمان
۱۱



فرہنگ پهلوانے درسیرہ اہل
بیت ۴۳



بررسے تاثیر اعجاز زبانے آریہ ہلی ادبے دردک
والقای مفاہیم آیات سورہ الرحمن ۳۰



شب قدر در قرآن کریم وسیرہ
معصومین (ع) ۱۲



تغالے بہ دیوان حافظ
۴۴



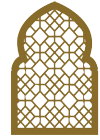
معرفے کتاب کشتے پهلو گرفتہ
۳۴



معرفے کتاب مسئلہ حجاب
۲۱



ابونراب
۳۹



مولود کعبہ
۲۲



شب قدر در قرآن کریم وسیرہ اہل بیت (ع)
۴۰



ماہ رمضان
۲۳



سخن سردبیر



ثمین توان

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

نشسته بود در کنجی. برافراشته نه؛ خمیده. سن و سالش تاب و توانی چنین به او نمی‌داد. تن تکیده‌اش را در بافتی قدیمی جای داده بود. گره به گره لباسش پود شده بود. کلاه پشمی‌اش بر رنجوری چهره‌اش می‌افزود. از جایی که نشسته بود گنبد به راحتی قابل دیدن بود؛ عجب کنجی یافته بود.

همان نزدیکی‌ها نشستم. زمزمه‌هایش به گوشم می‌رسید. با خود حرف می‌زد یا دیگری؟! نفهمیدم. در زمزمه‌هایش طنین حزنی شیرین بود. حواسم را بی‌اراده به خود جلب می‌کرد: «ای آقا! ای آقا! زخم که روی تخت بیمارستان افتاد آنقدر ترسیدم که ترسیدن طفلی گمشده در میانه‌ی بازار. همدمم بود. همراهم. رفیق تمام این سال‌هایی که گذشتند. با داشتنم زندگی ساخت با نداشتنم زندگی ساخت. در نزد مردم عزیز بودم یا فرودست، او عزیزم می‌داشت. عزت و مردی یک مرد را بیش از همه همسرش به او می‌دهد و او چنین بود. توانم به اندازه‌ای نبود که رفتنش را تاب بیاورم.

دکترها اولش گفتند مشکل جدی نیست، دوايش می‌کنیم، درمانش می‌کنیم؛ اما هرچه که گذشت رنجورتر شد. جسم تکیده‌اش تحمل آن همه دارو را نداشت. دکترها هر چه که کردند نشد که نشد. می‌گفتند اگر زودتر می‌آمد، اگر بیماری اینقدر در بدن رنجورش رخنه نکرده بود شاید درمان اثری رویش داشت.

حاضر بودم همه کاری برایش بکنم. اما هر چه گفتم حرف همان بود. دکتر اجازه داد. به خانه بردمش. جایی که دوست داشت. در چارچوب خانه که ایستادم توان پیش رفتنم نبود. در قلبم چیزی در حال فرو ریختن بود. همان‌جا بود که سپردمش به خودت. همان‌جا بود که خواہش کردم تا بیشتر بماند؛ بیشتر از آنچه دکترها به من گفتند. به چند صباح بیشتر بودنش هم راضی بودم. و انگار همان لحظه شنیدی؛ همان لحظه پشت بند دعایم آمین گفتی. و او زنده ماند. چند سالی بیشتر از آنچه قرار بود. تنش خسته و پذیرای درد بود؛ اما بود. نشد که در این مدت با هم مهمانت شویم. تنش خسته‌تر از آن بود که خستگی سفر را هم تحمل کند؛ از همان راه دور سلامت می‌داد.

حالا او دیگر نیست؛ و من اینجایم. قولش دادم تا روی در روی گنبدت بایستم و تشکر کنم. در این سال‌ها هر که هر چه گفت و وعده کرد، نشد که نشد. اما روزگار ما روی پاشنه‌ی همان دری چرخید که من در آستانه‌اش ایستادم و از تو خواستم.

آی آقا! آی آقای امام رضا!

دست روی زانویش گذاشت و دست دیگر را به دیوار تکیه داد و ایستاد. آهسته و آرام قدم برمی‌داشت. این بار زمزمه‌اش برایم واضح‌تر بود: «مریدِ پیرِ مُغانم ز من مرنج ای شیخ چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد!»

با شماره بیست و سوم از نشریه‌ی فرهنگی قرآنی طهورا در خدمت شما همراهان گرامی هستیم. تمام توان ما بر این است تا حد توانمان بگوییم و بنویسیم از او که رب است و معبود. باشد که قلممان راهی باشد در راه شناخت او.



سفر روح



علیرضا ستایشگر
کارشناسی روانشناسی دانشگاه شیراز

انسان، عجیب‌ترین و پیچیده‌ترین موجود دنیا، موجودی که منشاء خوبی و بسیاری از زیبایی‌های این جهان است، اما خودش هم منشاء بسیاری از بدی‌هاست!

انسانی که تمدن ساخت؛ به هم‌نوعان خود از همان ابتدای آفرینش کمک‌های بسیار کرد؛ و محبت را میان افراد بشر گسترش داد. اما همین موجود

هنگامی که در این طرف کروی زمین در حال دست‌گیری از دوستانش و حل کردن مشکلات آن‌ها بود، در آن‌طرف کروی زمین در حال تیز کردن شمشیر خود برای شروع یک جنگ خونین بود. از این‌گونه نامردی‌ها و خونخواری‌ها در طول تاریخ بشریت، کم نبود؛ نیست و نخواهد بود؛ این دنیا اما افراد مهربان، مسئولیت‌پذیر و حکیم کم ندارد، همان‌ها که فهمیدند

به آرامی و بدون خونریزی هم می‌شود دنیا را نجات داد، اما؛ سوال اینجاست که چرا اسم آدم‌های ظالم بیشتر به گوشمان می‌خورد و چرا ظلم بیشتر به چشممان می‌آید؟ چرا تا اسم بدی و ظلم می‌آید، کلمات و اسامی زیادی مانند؛ جنگ‌های جهانی اول و دوم، شمر، فرعون، نمرود و ... سریعاً از ذهنمان می‌گذرد اما اگر کسی از ما بخواهد که یکی از کارهای بشر دوستانه انسان در طول تاریخ را تعریف کنیم، شاید کندتر و آهسته‌تر نمونه‌ای به ذهنمان برسد.

شاید بهتر است از کتاب‌های تاریخی گله کنیم که گویی

اغلب، تاریخ ظلم و ستم و جمگ و خونریزیست؛ هر سه صفحه‌ای را که ورق می‌زنیم یک شرح یک ماجرای تلخ را در آن می‌بینیم گویی تاریخ هم مشکلی با پیشی گرفتن ظلم بر صلح، در ذهن ما ندارد! اما همین تاریخ هم خالی



از صلح و عطف‌ت نیست؛ از ایستادگی‌های امیر کبیر تا خون دل خوردن‌های عباس‌میرزا، از سرما یخ زدن میرزا کوچک‌خان برای وطن تا آن نوجوانی که به آتش زد تا جان همسایه‌هایش را نجات دهد. انگار تاریخ آنقدر هم نمی‌خواهد دستمان را برای گله‌گذاری باز بگذارد!

اما، ماجرا از این قرار است که انسان به بدی‌ها عادت ندارد؛ جنگ، قتل، تهمت، نیرنگ و فریب، روح لطیفش را آزار می‌دهد. همان روحی که از جانب حق در انسان دمیده شد و مسلماً چنین روح پاکیزه‌ای در ابتدای خلقتش با هرگونه بدی ناسازگار است. مگر اینکه انسان آنقدر خودش را با

بدی و تاریکی سرگرم کند و زمانی به خودش بیاید که ببیند به چیزهایی خو کرده است که حتی اسمشان، آدم‌ها را آزرده می‌کند؛ دروغ، قضاوت‌های بی‌دلیل، ریا و ... و این همان زمانست که انسان روح خود را از جایگاه اصلی و اولیه‌ی خود دور و بیمار کرده است.

انسان همیشه، میان نور و تاریکی در نوسان است و تنها انسان است که این قابلیت را به واسطه‌ی اختیارش در دست دارد که هم می‌تواند نوری خالص باشد و هم تاریکی محض.

مولانا، در دفتر چهارم مثنوی، درباره‌ی مخلوقات خداوند می‌گوید: خداوند سه گروه را آفرید؛ انسان، فرشته و حیوان. فرشته، نور مطلق است از عشق خدا. حیوان، از دانش و عقلانیت تهی است و تنها به خوردن، خوابیدن و شهوات مشغول است و گروه سوم که انسان

است، این اختیار را دارد که یکی از آن دو را انتخاب کند و به یکی از آن‌ها تبدیل شود:

« این سوم هست آدمی زاد و بشر نیم او ز فرشته و نیمش خر نیم خر خود مایل سفلی بود نیم دیگر مایل علوی بود آن دو قوم آسوده از جنگ و حراب وین بشر با دو مخالف در عذاب» پس فهمیدیم که انسان هم‌زمان دو ویژگی کاملاً متضاد را درون خود دارد.

جسم به واسطه‌ی کالبد خاکی، انسان را سمت دنیا و تعلقاتش می‌کشد و روح که از عالم بالا به او داده شده است، توجه انسان را به سمت عالم معنا و قرارگاه اولیه خود حرکت





می‌دهد. در این کشش، خصلتی پیروز است که ما تغذیه‌ی بیشتری به او داده‌ایم و همانطور که جسم انسان از خواب، غذا و آب و... تغذیه می‌کند و به حیات خود ادامه می‌دهد، روح ما نیز به تغذیه نیاز دارد و گرنه حیات و نورانیت خود را از دست می‌دهد. اما، غذای روح چیست؟

این غذا هم مانند غذای جسم که از دنیای خودش گرفته شده است، باید از دنیای خودش دریافت شود و عالم روح، عالم نور محض است؛ پس غذای او نور است که از طریق پرستش حضرت باریتعالی به دست می‌آورد.

خداوند راه را برای ما آسان کرده است و شریعت را به عنوان راهی برای پرستش خود در اختیار ما قرار داده است. این را هم بدانیم که عبادت حق، از راهی به غیر از شریعت او، ناقص است. شما نمی‌توانید ادعای عشق به او را داشته باشید، اما کتاب، پیامبر(ص) و شریعت او را کنار بگذارید و دست به انکار آن‌ها بزنید.

پس فهمیدیم که غذا و آرامش روح ما از طریق پرستش خداوند و نزدیک‌تر کردن او به عالم بالا شکل می‌گیرد.

خداوند در از بندگان مؤمن خود می‌خواهد که به دو چیز تمسک کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». و روزه یکی از بهترین ریسمان‌هایی است که در کنار نماز می‌توان به آن چنگ زد و روح خود را به عالم بالا نزدیک کرد.

گرچه ایمان هست مبنی بر بنای پنج رکن لیک و الله هست از آنها اعظم الارکن، صیام روزه یکی از راه‌های عبادت خداوند است و عبادت خداوند همان صراط مستقیم است که ما هر روزه در نمازهایمان از خداوند طلب می‌کنیم که ما را به آن هدایت کند؛ چرا که در قرآن کریم فرموده است: «فاعبدوه هذا صراط مستقیم».

روزه، علاوه بر فواید جسمانی بسیار که پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی آن فرمودند: «صوموا تصحوا» و با مطالعات اندیشمندان امروزی درباره‌ی روزه که با یک جنسیت و جو قابل مشاهده است، به انسان در تربیت و کنترل نفس کمک می‌کند و به او یاد می‌دهد که خود را در برابر بسیاری از امور، حتی حلال، کنترل کند تا بعد از این بتواند خود را در برابر بسیاری از امور دیگر کنترل کند.

ما با تربیت نفس در نهایت به خودسازی می‌رسیم و این خودسازی مانند استادی است که ما را هدایت می‌کند و راه را برایمان هموار می‌کند. شاید برخی بگویند خودسازی یک مفهوم صرفاً انتزاعی و کاری بیهوده است؛ اما فایده‌ی خودسازی

زمانی آشکار می‌شود که یک اتفاق یکسان برای دو نفر که یکی نفس و وجود خود را تربیت کرده و دیگری از این صفت تهی است پیش می‌آید؛ غم، مرگ یکی از عزیزان، سختی در زندگی و... و انسان را با فشارهایی روانی روبرو می‌کند. در اینجا فرق بسیاری در نحوه‌ی تصمیم‌گیری و مقابله این افراد در برابر چنین موضوعاتی است و یقیناً شخصی می‌تواند با کمترین آسیب از این مرحله عبور کند که خودساخته باشد.

همانطور که در اول متن به آن اشاره شد، انسان‌هایی که به بدی خو کرده‌اند و تاریکی درونشان را محاصره کرده است، نتوانسته‌اند به خودسازی صحیح برسند و روح خود را تغذیه کنند و در نتیجه روح ایشان حیات خود را از دست داده و آرامش از آن‌ها گرفته شده است.

روزه هم یکی از ابزارهای خودسازی است و هم یکی از غذاهای روح و یا به تعبیر مولانا، مانده جان است.

یکی دیگر از فواید روزه، کاهش تعلق و وابستگی ما به دنیای مادی است. وابستگی زیاد به دنیای مادی در نهایت مرگ سخت‌تری را برایمان رقم خواهد زد و مانند حجابی بر دل، ما را از دیدن بسیاری از حقایق محروم می‌کند.

روزه و دیگر اعمال در شریعت، جان و روح انسان را پاک و صاف می‌کند؛ البته به این نکته هم توجه داشته باشیم که پذیرفتن این مهم باید با تعقل و شناخت همراه باشد و اگر صرفاً از روی تقلید باشد نه تنها انسان را به سمت نور خداوندی هدایت نمی‌کند، بلکه ممکن است در برخی مواقع سبب گمراهی شود؛ همانگونه که امروزه در بسیاری از کشورها به دلیل داشتن عقاید شرعی باطل و غیر عقلانی، با نام اسلام دست به کارهای خلاف عقاید اسلام می‌زنند.

شریعت اسلامی مانند خضر نبی است که ما را در راه زیبا زیستن همراهی و از گمراهی و تاریکی دور می‌کند:

طی این مرحله بی‌مهری خضر مکن ظلمات است؛ بت‌رس از خطر گمراهی از روحمان، این امانت الهی، به خوبی مراقبت کنیم و او را به جایگاهی که در شأن اوست برسانیم. در این راه از روزه به عنوان یکی از ابزارهای جلا بخشیدن به روح‌مک بگیریم و نگذاریم روح، حیات خود را از دست بدهد؛ چرا که روح که بمیرد، انسانیت هم خواهد مرد.



اعتبار دهر



علی رستگار
کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه شیراز

روزه‌ام را دهان موهومش
آمد و اختیار بطلان داد
بوسه‌ای بود و لذتی کوتاه
باز باران به بالکن جان داد...
روزه‌ام را فدای او کردم
او صواب مضاعفش خوب است
کنج محراب ابروانش ناز
زلف تاریکِ مصحفش خوب است...
تشنه‌ی بوسه‌ای مجدد نیز
تا ابد روزه‌دار آن ماهم
آن خدایی که عاشق او بود
در جهنم نمی‌دهد راهم...
سرمه‌اش دید و صد تبارک نیز
خالق از فصل آفریدن گفت
من چه گفتم که ناز او آمد
آمد از لحظه‌ی خریدن گفت...
من چه گفتم که حضرت خورشید
در میان ضمیر من تب کرد

یاعلی گفت و آسمان لرزید
یاعلی گفت و عزم یارب کرد...
رشته‌ای سوی عرش او می‌رفت
قطرش اندازه‌ی دو تا مو بود
یاعلی‌های من هوا می‌رفت
یاعلی اعتبار یاهو بود...
احتمالا پس از همان دیدار
کعبه درویش خانقاهش شد
مردمک‌های مردم از آغاز
مست و دیوانه‌ی نگاهش شد
احتمالا به سوره‌ی انسان
نام او اعتبار دهر آورد
پادشاه جهان هستی بود
رحمتی بر گدای شهر آورد...
حافظ از درد عشق او پرسید
تشنه‌لب شد که ایها الساقی



چشمه‌ی کوثر دهانت مست
برکت بوسه‌ی لب‌ت باقی...
مولوی می‌نوشت و می‌فهمید
شیر حق از ازل منزّه بود
پادشاهان که نوکرش بودند
نوکرش تا ابد شهنشه بود...
روزگاری که عیش و عریانی
در دویستی‌سرای بابا بود
خواب سیمای حضرتش را دید
هر که بالا، به‌سوی بالا بود...
می‌کشد پر به غایت آمال
هفتمین شهر حضرت عطار
تا بیند پرنده‌ای محروم
بال سیمرغ حیدر کرار...
تا عجم زنده بود و فردوسی
عاشق چشم آن عرب می‌شد
در نگاه عزیز او انگار
صبح صادق همیشه شب می‌شد...
هر کجا بود و هر طرف می‌رفت
دیده‌اش شاعری پدید آورد

سرو او در میان شمشادان
لرزشی در قیام بید آورد
صید جان کرد و سلطنت بخشید
پیکر کشته‌ی شکارش را
جان من ریش نسخ تعلیقش
تیغ ابروی ذوالفقارش را
جان من بازوان جانبخشش
دست خوش‌خلق پرزکاتش را
آیه‌ی حمد و سوره‌ی چشمش
ذات موصوف خوش‌صفاتش را
جان من راس مال امیدش
گریه‌هایش، هوا که بارانی است
صبر او را شنیده‌ام دهر است
پاسخ رحمتش که یک آنی است...
روزه‌ها را خیال توحیدش
سوی تصویر قاب او می‌برد
مرکب نفس پرملامت را
مهر حق در رکاب او می‌برد
تا نوشتند و منعکس کردند
برگه‌ها برگه، شعر بی‌مقدار
شاعری بود و آخر یک شعر
یا علی گفت و آخر دیدار...



افطاری با یک غیرمسلمان

کلثوم رضایی

کارشناسی روانشناسی دانشگاه شیراز



داریم افطار می‌کنیم. این بسته‌ها هم برای افطار هست.

«خب شما این بسته‌ها رو برای چه کسی درست کردید؟»

«برای دانشجویانی که روزه گرفتند و توی دانشگاه هستند. آخه توی دین ما افطاری دادن خیلی ثواب داره.»

درحالی‌که چشماش به بسته‌ها خیره بود، گفت: «چه جالب! ما هم توی دینمون در روزهای عیدپاک، میلاد مسیح (ع) و ۲۴ آوریل روزه می‌گیریم ولی چیزی مثل افطاری دادن نداریم. این کار خیلی جالب هست.»

نشست روی یکی از صندلی‌ها و شروع کرد به تماشا کردن کاری که من انجام می‌دم. ده دقیقه‌ای بیشتر به اذان نمانده بود. افطاری‌ها رو به هر کسی که از اون مسیر عبور می‌کرد، می‌دادم.

اذان گفت. تا اون لحظه چند نفری به غرفه اومده بودند و افطاری گرفته بودند.

خانم مسیحی که گویا الیزابت نام داشت حالا با صدایی ملایم‌تر و با مکث‌هایی بین کلماتش پرسید: «بخشید؛ من مسلمان نیستم اما می‌تونم از این افطاری‌ها بردارم؟»

تا جایی که می‌دونستم جایی از دین ما نگفته بود که به غیر مسلمان نمی‌شه افطاری داد. با لبخند گفتم: «چرا که نه.»

خودم یکی از بسته‌ها رو برداشتم و با لیوان آبجوش به دستش دادم. تشکر کرد. بعد از تمام کردن افطاری رو کرد به من و پرسید: «فلسفه‌ی این افطاری دادن‌ها چیه؟»

گفتم: «ما روزه می‌گیریم تا انسانی رو که فقیر هست و مثل بقیه‌ی مردم اونقدر غذا نداره تا توی تمام وعده‌های غذایی بخوره، بفهیم و این‌که به مردم دیگه افطاری می‌دیم برای این هست که نشون بدیم که این فهم و این درک کردن برای ما فراتر از یک احساس و درک کردن چند ساعته هست. ما می‌خوایم نشون بدیم که دیگران هم برای ما مهم هستند و ما به فکر هم‌نوع و هم‌دین خودمون هستیم.»

لبخند دلنشینی زد. بلند شد. خداحافظی کرد و رفت.

روز اول ماه مبارک رمضان بود. درواقع می‌تونم بگم اولین ماه رمضانی که توی دانشگاه بودم و از خانواده‌ام دور بودم. با چند نفر از بچه‌ها تصمیم گرفته بودیم که هر روز به کسانی که توی خوابگاه زندگی می‌کنند یه افطاری ساده بدیم. یه افطاری که شامل آبجوش، خرما و یه چند تا شکلات و نون و پنیر و سبزی می‌شد؛ همین و همین.

دانشگاه یه غرفه‌ی کوچیک رو در اختیارمون گذاشته بود. یه غرفه کنار ایستگاه اتوبوس، بازارچه و سلف. غرفه توی دید بود و هر کسی از اون طرف‌ها رد می‌شد خیلی راحت می‌تونست غرفه‌ی کوچیک ما رو ببینه.

داختم بسته‌های افطاری رو آماده می‌کردم و هم‌زمان دعای توسل از گوشیم پخش می‌شد. یکی یکی بسته‌ها رو می‌داختم توی سبد که یه نفر منو صدا زد. برگشتم. یه دختر بود. هم سن و سال خودم شاید هم یک یا دو سال بزرگ‌تر. درحالی‌که می‌گفتم: «بفرمایید» از سر جام بلند شدم. لبخند کم‌رنگی زد و نگاهی به دور و اطراف کرد و گفت: «بخشید؛ این‌جا شما چیزی می‌فروشید؟»

لهجه‌ی عجیبی داشت. معلوم بود ایرانی نیست؛ یا اینکه ایرانی هست اما جای دیگه بزرگ شده. لبخند زدم و گفتم: «نه! این‌جا افطاری می‌دیم». گفت: «افطاری چی هست؟»

این بنده‌ی خدا اصلا نمی‌دونه افطاری چی هست. حالا باید کلی برایش توضیح بدم. یهو به خودم اومدم. انقدر غر نزن. این خیلی خوبه. شاید اصلا دینش با دین و مذهب تو یکی نباشه؛ این‌طوری یه نفر رو هم با یک بخشی از اسلام آشنا کردی.

پرسیدم: «شما مسلمانید؟» جواب داد: «نه. من مسیحی‌ام.» ادامه دادم: «ما مسلمان‌ها توی یک ماه خاص از سال که ماه رمضان نام داره، روزه می‌گیریم.» وسط حرفم دوید و گفت: «آها! می‌دونم روزه چیه. ما هم توی عید پاک روزه می‌گیریم.» باز جای شکرش باقیه که می‌دونه روزه یعنی چی.

دوباره ادامه دادم که: «وقتی که اذان گفته می‌شه و ما می‌تونیم روزمون رو باز کنیم، به اصطلاح می‌گیم



شب قدر

در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام



جمیله انصاریپور
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

چکیده:

شب قدر یا لَیْلَةُ الْقَدْرِ شب نزول قرآن و مقدر شدن امور یکساله انسانهاست. قرآن در سوره‌های قدر و دخان از این شب سخن می‌گوید. براساس آیات قرآن و روایات، ارزش شب قدر بیش از هزار ماه است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی آیات و روایت در این موضوع پرداخته و نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که طبق آیات و احادیث، شب قدر شب پر فضیلتی است که مقدرات یک ساله آدمی نزد خلیفه خدا بر خلق نازل می‌شود و به دستور خدا ملائکه و روح در آن شب بر گرد ساحت مقدس حجه الله فی الارض طواف می‌کنند و امور یک سال را به ایشان تقدیم می‌دارند. این به معنی آن نیست که خلیفه خدا روی زمین از این علم بی‌خبر باشد بلکه به معنی تفصیل آن علم و تسهیلی نسبت به آنچه می‌دانستند و دستوری بر اجرای آن امور می‌باشد.

کلید واژه‌ها:

قرآن کریم، شب قدر، سیره معصومین علیهم السلام.

مقدمه:

شب قدر بافضیلت‌ترین شب سال و شب رحمت الهی و آمرزش گناهان است و در آن، فرشتگان به زمین می‌آیند و بنابر برخی از احادیث شیعه، مقدرات سال آینده بندگان را بر امام عرضه می‌کنند.

زمان دقیق شب قدر، روشن نیست؛ ولی بر اساس بسیاری از روایات، در ماه رمضان واقع شده و به احتمال زیاد یکی از شب‌های ۱۹، ۲۱ و یا ۲۳ این ماه است. شیعیان بر شب ۲۳ رمضان و اهل سنت بر شب ۲۷ رمضان تاکید بیشتری

دارند.

شیعیان در این شب‌ها با الگوگیری از معصومین(ع)، به شب‌زنده‌داری، خواندن قرآن، دعا و عبادت در این شب می‌پردازند. ضربت خوردن و شهادت امام علی(ع) در این شب‌ها نیز به اهمیت آن نزد شیعیان افزوده و سوگواری برای آن امام با آیین‌های شب قدر همراه شده است.

مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

مفهوم شب قدر چیست؟

جایگاه شب قدر در قرآن و سیره معصومین چگونه است؟

مفسران شب قدر را چگونه تبیین نموده‌اند؟

مفهوم شناسی قدر:

قَدْرُ) کلمه‌ای عربی به معنای اندازه، تقدیر و سرنوشت است. شاکر، «شبی برتر از هزار ماه»، ص ۴۸) درباره اینکه چرا این شب را «شب قدر» نامیده‌اند، دلایلی ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- از نظر عده‌ای همچون علامه طباطبایی، چون مقدرات انسان‌ها و اندازه و تقدیر رویدادهای یک سال، در این شب تعیین می‌شود، آن را شب قدر می‌نامند. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۳۳ ش، ج ۲۰، ص ۵۶۱).
- آیت الله مکارم شیرازی این نظر را هماهنگ با روایات و معروف‌تر و بهتر دانسته است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۵ ش، ج ۲۷، ص ۱۸۷).
- اگر کسی این شب را احیا بدارد، صاحب قدر و منزلت می‌شود. (همان: ص ۱۸۸)
- علت نامگذاری، قدر و شرافت والای این شب است (همان).
- چون شبی است که مقدر شده قرآن در آن نازل شود (همان).



از شب قدر به نام‌های «لیلۃ العظمه» و «لیلۃ الشرف» نیز یاد شده است (مجیدی خامنه، «شبهای قدر در ایران»، ص ۱).

جایگاه و اهمیت شب قدر در قرآن

شب قدر برترین و مهم‌ترین شب سال در فرهنگ اسلامی است. تربیتی، همراه با معصومان در شب قدر، «ص ۳۳». در قرآن کریم، سوره‌ای کامل به توصیف و ستایش شب قدر اختصاص یافته و بدین نام (سوره قدر) خوانده شده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۸). اگر از نظر موضوعی بخواهیم این آیات را دسته بندی کنیم به شرح ذیل است:

۱. ارزش شب قدر بیشتر از هزار ماه خداوند متعال برخی از ماهها و شبها و روزها را بر ماهها و شبها و روزهای دیگر برتری داده است از جمله این ماهها ماه مبارک رمضان است که شب قدر را در آن ممتاز گردانیده است. با اختصاص این شب به پیامبران و اوصیای ایشان (صلوات الله علیهم اجمعین) آنان را بر بقیه مردم برتری بخشیده است.

خداوند متعال در سوره مبارکه قدر به برتری شب قدر بر شبهای دیگر اشاره نموده است «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» و شب قدر را بر هزار ماهی که شب قدر ندارد برتری داده است.

در شأن نزول سوره مبارکه قدر و آیات ۲۰۷ - ۲۰۵ سوره مبارکه شعراء آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خواب می بیند که بنی امیه بر منبر ایشان بالا می روند و مردم را گمراه می کنند و بسیار ناراحت می شوند و جبرائیل این آیات را از سوی خداوند متعال می آورد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

ترجمه آیات: به نام خداوند بخشنده مهربان * ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم. * و توجه می‌دانی شب قدر چیست؟ * شب قدر بهتر از هزار ماه است. * فرشتگان و «روح»

در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند. * شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده. أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ. (سوره مبارکه شعراء، آیات ۲۰۷ - ۲۰۵)

ترجمه آیات: مگر نمی‌دانی که اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره‌مند سازیم سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت.

در این سوره، ارزش شب قدر بیشتر از هزار ماه دانسته شده است. (قدر/۲). آیات یکم تا ششم سوره دخان نیز به اهمیت و رخدادهای شب قدر می‌پردازد. (دخان/۱-۶).

آیه اول سوره قدر و آیه سوم سوره دخان، بیانگر نزول قرآن در شب قدر است. شاکر، «شبی برتر از هزار ماه»، ص ۵۰ (محمد عبده معتقد است آغاز نزول تدریجی قرآن در ماه رمضان بوده است؛ انصاری، «نزول اجمالی قرآن»، ص ۲۲۷). اما بیشتر مفسران معتقدند در این شب، قرآن به صورت یکباره از لوح محفوظ به بیت المعمور یا قلب پیامبر (ص) نازل شده که به آن، نزول دفعی یا نزول اجمالی قرآن می‌گویند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۸۲).

۲. نزول قرآن و برخی کتب آسمانی در ماه مبارک رمضان و شب قدر طبق احادیث رسیده از ائمه معصومین (علیهم السلام) نزول قرآن کریم و برخی از کتب آسمانی دیگر در ماه رمضان بوده است.

یکی از مهمترین آیات قرآن که درباره نزول قرآن سخن گفته است: آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره است: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكْبِرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۵)

ترجمه آیه: ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده

شده است، [کتابی] که مردم را راهبر و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزه‌های دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه شما را هدایت کرده است به بزرگی بستاید و باشد که شکرگزاری کنید.

در تفسیر البرهان برای تفسیر این آیه به حدیث ذیل اشاره شده است:

عن علی بن ابراهیم عن ابيه و علی بن محمد عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داود عن حفص بن غیاث عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال: سألته عن قول الله عز و جل: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ إِنَّمَا أَنْزَلَ فِي عَشْرِينَ سَنَةً بَيْنَ أُولِهِ وَ آخِرِهِ».

فقال أبو عبد الله (عليه السلام): «نزل القرآن جملة واحدة في شهر رمضان إلى البيت المعمور ثم نزل في طول عشرين سنة.» (البرهان في تفسیر القرآن، جلد ۱، صفحه ۳۹۰ □ ۳۸۹)

از علی ابراهیم با اسنادی از حفص بن غیاث نقل شده است که حضرت امام صادق (علیه السلام) در جواب حفص بن غیاث که از حضرتش پرسوال نمود آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» بر این دلالت دارد که قرآن در ماه رمضان نازل شده است و حال آنکه در مدت بیست (و سه) سال به تدریج فرود آمده است. فرمودند: تمام قرآن به یکباره در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شده است. (تفسیر جامع، جلد ۴، صفحات ۳۰۳ - ۳۰۴)

در حدیثی از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره نزول قرآن کریم و دیگر کتب آسمانی که در ماه رمضان نازل شده است آمده است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ دَاوُدَ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» وَ إِنَّمَا أَنْزَلَ فِي عَشْرِينَ سَنَةً بَيْنَ أُولِهِ وَ آخِرِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) نَزَلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً





وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ نَزَلَ فِي طُولِ عَشْرِينَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (ص) نَزَلَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَانزَلَتِ التَّوْرَةُ لِسِتِّ مَضْيَعِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَانزَلَ الْإِنْجِيلَ لثَلَاثِ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَانزَلَ الزَّبُورَ لثَمَانِيَةَ عَشْرَ خَلُونَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَانزَلَ الْقُرْآنَ فِي ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. (الكافي، جلد ۲، صفحه ۶۲۹ - ۶۲۸)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قرآن یک جا در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شد و سپس در مدت بیست سال قسمت قسمت نازل گردید، سپس فرمودند: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: صحف ابراهیم در اول شب ماه رمضان نازل شده و تورات شب ششم ماه رمضان و انجیل شب سیزدهم ماه رمضان نازل شده و زبور در شب هجدهم ماه رمضان نازل شده است و قرآن در شب بیست و سوم ماه رمضان نازل شده است.

(همان: جلد ۶، صفحه ۴۶۷)

البرهان فی تفسیر القرآن نیز برای شرح و تفسیر آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره این حدیث را ذکر کرده است. (البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، صفحه ۳۹۰ به نقل از التهذیب، جلد ۵، صفحه ۱۹۳ / ۵۵۲)

طبق احادیث منظور از «لَيْلَةُ مُبَارَكَةٍ» در آیه سوم سوره مبارکه دخان «شب قدر» می باشد. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ: ترجمه آیه: به راستی ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم زیرا که همواره بیم دهنده بوده ایم.»

از حضرت امام باقر و حضرت امام صادق (علیهما السلام) نقل شده است که مراد لیله مبارکه؛ شب قدر است. در ماه مبارک رمضان، شب قدر، تمام قرآن مجید در بیت المعمور آسمان چهارم نازل شد و بعد به تدریج در مدت بیست و سه سال بر حضرت رسالت (صلی الله علیه و آله) نازل گردید. (تفسیر اثنا عشری، جلد ۱۲، صفحه ۱۰ - ۹)

۳. چگونگی نوشتن مقدرات در شب قدر در احادیث رسیده از جانب رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) از نازل شدن مقدرات یک سال آتی در این شب بر نبی خدا یا اوصیای ایشان خبر داده اند و این سنت الهی از ابتدای آفرینش زمین وجود داشته است و ادامه خواهد یافت.

در تفسیر آیه ۳۹ سوره مبارکه رعد يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (سوره مبارکه رعد، آیه ۳۹)

ترجمه آیه: خدا هر چه را بخواهد محو می کند و هر چه را بخواهد ثابت و پابرجا می نماید و «أم الكتاب» نزد اوست.

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) تحقق معنای این قول خداوند را در شب قدر دانسته اند:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ: تَنْزَلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالْكِتَابَةُ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا، فَيَكْتُبُونَ مَا هُوَ كَائِنٌ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ فِيهَا. قَالَ: وَ أَمْرٌ مَوْقُوفٌ لِلَّهِ (تَعَالَى) فِيهِ الْمَشِيئَةُ، يُقَدِّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ قَوْلُهُ (تَعَالَى): «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (الأمالي طوسی، صفحه ۶۰)

محمد بن محمد با اسنادی از محمد بن مسلم نقل کرده است که محمد بن مسلم (رضوان الله علیه) گوید از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) درباره شب قدر پرسیدم. فرمودند: در آن شب ملائکه نازل می شوند و اموری که قرار است در یکسال اتفاق بیافتد و آنچه برای بندگان در آن سال مقدر می شود را بر آسمان دنیا می نویسند و تمام امور در شب قدر متوقف است بر مشیت خدا. هرچه را بخواهد جلو می اندازد و هرچه را بخواهد مؤخر می کند و این است معنای قول خدا که فرمود: «خدا محو می کند هرچه را که خواهد و ثبت می کند هر چه را که بخواهد و نزد اوست تمام کتاب.»

درباره تفسیر آیه ۳۹ سوره مبارکه رعد البرهان به حدیثی به مانند حدیث بالا اشاره نموده است که از قول حمران از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده است.

عن حمران قال سألت أبا عبد الله (عليه السلام): يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؟ فقال: «يا حمران، إنه إذا كان ليلةً لقدرةً ونزلت الملائكة الكتبة إلى السماء الدنيا فيكتبون ما يقضى في تلك السنة من أمر فإذا أراد الله أن يقدم شيئاً أو يؤخره أو ينقص منه أو يزيد، أمر الملك فمحا ما يشاء ثم أثبت الذي أراد. قال: فقلت له عند ذلك: فكل شيء يكون فهو عند الله في كتاب؟ قال: «نعم» قلت: فيكون كذاً وكذا ثم كذاً وكذا حتى ينتهي إلى آخره؟ قال: «نعم» قلت: فأى شيء يكون بيده بعد؟ قال: «سبحان الله، ثم يحدث الله أيضاً ما شاء، تبارك الله و تعالی» (البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۳، صفحه ۲۶۸)



حمران گوید از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «خدا هر چه را خواهد محو یا اثبات می کند و نزد اوست تمام کتاب» پرسیدم. فرمود: ای حمران، وقتی شب قدر می رسد، ملائکه نازل می شوند و قضا و قدر و امورات یک سال را بر آسمان دنیا می نویسند. اما هرگاه خدا بخواهد آن امور به تأخیر می افتد یا جلو می افتد و یا آن امور کم یا زیاد می شود. سپس هر چه را بخواهد که محو کند یا انجام دهد، به ملک امر می کند و انجام می شود. گفتیم: پس هر چه که اتفاق می افتد (و خواهد افتاد) در کتابی نزد خداوند است؟

فرمود: بله. گفتیم: (مثلاً) چنین می شود و بعدش چنین می شود تا تمام اتفاقات (فی کتاب ثبت است)؟ فرمود: بله. گفتیم: (اگر همه اتفاقات از پیش تعیین شده و ثبت گشته) پس چه چیزی بعد از این به دست (قدرت) اوست؟ فرمود: سبحان الله سپس خداوند تبارک و تعالی آنچه بخواهد پدید می آورد.

در تفسیر جامع ذیل همین آیه آمده است: از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: چون شب قدر شود فرشتگان با فرشته مخصوصی که نامش «روح» است به آسمان دنیا نازل می شوند و آنچه در سال آینده در تقدیر پروردگار و قضای الهی است، می نویسند و اگر مشیت خداوندی بر تقدم و تأخر امری تعلق بگیرد به فرشته‌ای که در شب قدر مقدرات را ثبت نموده و نوشته است امر می فرماید که اجل مورد مشیت را محو و نابود کرده و آنچه را که مقدر و مقرر فرموده به جایش بنویسد. راوی حضور آن حضرت عرض کرد: آیا هر چیزی به اندازه معین در آن شب نوشته خواهد شد؟ فرمودند: بلی. مجدداً عرض کرد: پس بعد از قضاء الهی چه چیز دیگری در آن سال خواهد بود؟ فرمود آنچه را که مشیت حضرتش تعلق بگیرد حادث و ایجاد می فرماید و این آیه دلالت دارد به این معنی که باید خلائق از غیر خدا چشم ببوشند و در تمام امورات خود به او توجه کنند و از مخلوقات ناامید باشند. (تفسیر جامع، جلد ۳، صفحه ۴۱۳)

در حدیثی حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره رقم خوردن مقدرات انسان در شب قدر چنین فرمودند:

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَكِيرٍ عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يُكْتَبُ مَا يَكُونُ مِنْهَا فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ أَوْ مَطَرٍ وَ يُكْتَبُ فِيهَا وَفِدَا الْحَاجِّ ثُمَّ يَقْضَى [يُقْضَى] ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَقُلْتُ إِلَى مَنْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ إِلَى مَنْ تَرَى. (بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، جلد ۱، صفحه ۲۲۰)

يعقوب بن يزيد با اسنادی از ابن بکیر از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: همانا در شب قدر هر آنچه در آن سال تا مانند

آن در سال آینده می خواهد بشود همچون شر یا خیر یا مرگ یا زندگی یا باران مقدر می شود، در ضمن در آن شب به حج مشرف شدن حاجیان نیز مقدر می شود سپس به اهل زمین افاضه می گردد. پس من عرض کردم: به چه کسی از اهل افاضه می شود؟ فرمودند: فکر می کنی به چه کسی افاضه شود؟ (همان)

در حدیث ذیل نیز به افاضه امور سال آتی از هر امری از زمان غروب خورشید تا طلوع خورشید بر صاحب امر اشاره شده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنِ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» قَالَ نَزَلَ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ مَوْتٍ أَوْ مَوْلُودٍ قُلْتُ لَهُ إِلَيَّ مَنْ فَقَالَ إِلَيَّ مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ إِنَّ النَّاسَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ فِي صَلَاةٍ وَ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ وَ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي شُغْلٍ «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ» إِلَيْهِ بِأُمُورِ السَّنَةِ مِنْ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِهَا «مَنْ كُلُّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ» لَهُ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ. (همان: جلد ۱، صفحه ۲۲۰)

أحمد بن محمد با اسنادی از داود بن فرقد نقل می کند از حضرت درباره آیات سوره مبارکه قدر سوال کردم فرمودند: آنچه باید از این سال تا سال آینده بشود از مرگ یا تولد (و مانند آن) مقدراتش نازل می شود. به ایشان عرض کردم: بر چه کسی؟

فرمودند: گمان داری بر چه کسی نازل شود؟ همانا مردم در آن شب همگی مشغولند و در حال نماز یا دعا و مسألت از خدا می باشند و صاحب این امر در این شب کارش این است که ملائکه بر ایشان نازل می گردد برای افاضه امور سال از هر امری از زمان غروب خورشید تا طلوع مجدد آن و برای ایشان سلامت است تا آن هنگام که فجر طلوع کند. (همان)

شب قدر در سیره معصومین علیهم السلام

شب قدر در فرهنگ قرآن و روایات از جایگاه بس عظیمی برخوردار است تا آنجا که شب قدر در قرآن برابر با

هزار ماه دانسته شده، و شب نزول قرآن، و شب

تعیین تقدیرات یکسال و شب مبارک

معرفی شده است. و در روایات هم

تعبیرات زیبایی از شب قدر آمده

است، همچون شب بخشیده

شدن گناهان و اینکه هر کس

در آن شب بخشیده نشود،

مورد نفرین خدا واقع می

شود. (بحار الانوار، ج ۹۴، ص

۸۰)

و پیامبر اکرم صلی الله علیه

وآله فرمود: «مَنْ حُرِّمَهَا فَقَدْ

حُرِّمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ هَرَّ كَسَّ

از شب قدر محروم گردد، از تمام خیرات

بی نصیب شده است؛ (کنز العمال،

علی متقی هندی، مؤسسه الرساله، ج ۸،

ص ۵۳۴).

با توجه به عظمت شب قدر، سیری در سیره پیشوایان



معصوم علیهم السلام در این شب خواهیم داشت مانند آیات قرآن می توان از نظر محتوایی تقسیم بندی کرد:

۱. عبادت و شب زنده داری در شب قدر از اعمالی که در طول سال، مخصوصاً شبهای مبارک رمضان و علی الخصوص در شب قدر بدان سفارش اکید شده است، احیا و شب زنده داری است.

• پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ حُوِّلَ عَنْهُ الْعَذَابُ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ»؛ (بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۴۵).

کسی که شب قدر را زنده بدارد، عذاب تا سال آینده از او روی می گرداند.

معصومان علیهم السلام همه این سنت حسنه را پاس و گرامی میداشتند و از آن بهره می بردند:

• پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها در شب قدر بیدار بود، بلکه دهه سوم ماه مبارک رمضان کاملاً بستر خواب را جمع می کرد و به عبادت می پرداخت.

• حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَطْوِي فَرَاشَهُ وَيَسُدُّ مِزْرَهُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَكَانَ يُوقِظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَكَانَ يَبْرُسُ وَجْهَهُ بِالْمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ»؛ (همان، ج ۹۵، ص ۱۰).

رسول خدا صلی الله علیه و آله [این چنین] بود که رخت خواب خویش را جمع می کرد و کمر بند [همت برای عبادت] را در دهه آخر از ماه رمضان محکم می بست و همیشه این گونه بود که اهل و عیالش را در شب بیست و سوم بیدار نگه می داشت و بر روی خواب رفتگان در آن شب آب می پاشید [تا از درک شب قدر، و درک شب زنده داری محروم نشوند].»

حتی در شبهای بارندگی در حالی که مسجد مدینه سقف نداشت، عبادت و شب زنده داری را ترک نمی کرد و دیگران را با رفتار خویش وا می داشت که در همان گل

و باران بیدار باشند و نماز گزارند. (همان:ص ۱۰).

• امام علی علیه السلام نیز در طول سال، شب هنگام آن گاه که شب پرده های تاریکی را انداخته بود، بیدار می شد و مشغول عبادت و شب زنده داری می گشت. (همان: ج ۴۱، ص ۲۱) اما در شبهای قدر حال ویژه ای داشت و در بدترین وضعی که مسجد مدینه را آب و گل فرا گرفته بود، مشغول عبادت و شب زنده داری می شد و به ویژه در شب قدر آخر عمر خویش، حال فوق العاده عجیبی داشت.

• فاطمه زهرا علیها السلام نیز آن قدر عبادت می کرد که امام حسن علیه السلام می فرماید:

«مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، كَأَنَّ تَقْوَمَ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»؛ (همان، ج ۴۳، ص ۷۶).

عبادت از فاطمه علیها السلام در دنیا نبود؛ همیشه این گونه بود که آن قدر به عبادت می ایستاد که پاهای [مبارکش] ورم می کرد.

علت نام گذاری او به «زهرا» نیز این است که شبها نور عبادت و شب بیداری او به سوی آسمان می تابید (همان:ص ۱۲) و اما در شب قدر، حال به خصوصی داشت، نه تنها بیدار بود که بچه ها و فرزندان خویش را نیز وادار می کرد که شب بیدار باشند؛ چنان که در روایتی می خوانیم:

روش فاطمه علیها السلام این بود که هیچ فردی از خانواده خویش را نمی گذاشت در آن شب (بیست و سوم) بخوابد و [مشکل خواب] آنها را با کمی غذا و آمادگی در روز درمان می نمود و می فرمود: محروم است کسی که از خیر [و برکت] آن شب محروم شود و کانت فاطمة علیها السلام لا تدع أحدا من أهلها ينام تلك الليلة و تدأويهم بقله الطعام و تتأهب لها من النهار و تقول محروم من حرم خيرها (بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۰)

• امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس شب قدر را احیا بدارد، خداوند مهربان گناهان او را

می آمرزد.» (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۱). و شیخ عباس قمی نقل کرده که «امام باقر علیه السلام در شب بیست و یکم و بیست و سوم تا نیمه شب دعا می خواند و آن گاه به نماز می پرداخت.» (مفاتیح الجنان، اعمال شب ۲۱، ص ۴۲۵).

• امام هفتم علیه السلام نیز اهل شب زنده داری و عبادت در طول سال بود. در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم: «او شبها تا سحر بیدار بود، و طلب آمرزش می کرد و همدوش سجده های طولانی، چشم گریان و اشکبار، و مناجات بسیار و زاریهای پیوسته و پی در پی بود.» (همان:ص ۷۲۰) وقتی حضرت در غیر رمضان چنان باشد، حال آن حضرت در شب قدر برای ما قابل توصیف نخواهد بود.

او نه تنها خود شب زنده داری و عبادت داشت که به دیگران نیز می فرمود: «مَنْ اغْتَسَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ أَحْيَاهَا إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ»؛ (بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۲۸) کسی که در شب قدر غسل کرده و تا سپیده صبح شب زنده داری کند، گناهانش آمرزیده می شود.

• امام حسن عسکری علیه السلام نیز چون پدران خود، اهل مناجاتهای طولانی و شب زنده داری در طول سال و مخصوصاً در شب قدر بود. (مصباح المتجهد، ص ۲۲۷؛ نهج الدعوات، ص ۲۷۷) و به شیعیان خود نیز این اعمال را اکیدا سفارش می کرد.

از جمله، می فرمود: «فَإِذَا يُقَوِّتُكَ إِحْيَاءُ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ»؛ (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۱) پس بیداری در شب بیست و سوم را از دست نده!

۲. حضور در مسجد از مسائلی که معصومان علیهم السلام نسبت به آن حساسیت ویژه نشان داده اند، حضور در مسجد، در شب قدر است. قبلاً اشاره شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی در شبهای بارانی و گل بودن مسجد مدینه، حضور در آن را در شبهای قدر ترک نمی کرد. از آن بالاتر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دهه سوم ماه مبارک رمضان، شب و روز در مسجد معتکف بود.



• امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «فَلَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ» (بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۷).

پس [پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله] همیشه در دهه آخر ماه رمضان در حال اعتکاف بود تا آن وقت که خداوند او را گرفت.

یحیی بن رزین نقل نموده که «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَرِيضًا مُدْنِفًا فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ فَكَانَ فِيهِ حَتَّى أَصْبَحَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ» (همان، ص ۴، ذیل روایت ۴). امام صادق علیه السلام بیماری شدیدی داشت، دستور داد او را به مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله [با همان حال] ببرند. پس حضرت تا صبح شب بیست و سوم ماه رمضان در آنجا باقی ماند.

۳. مراسم قرآن سرگرفتن در شب قدر

یکی دیگر از اعمال شب قدر که در سیره معصومان

علیه السلام می فرماید: «شب بیست و سوم در عین حالی که باران شدیدی آمده بود و مسجد مدینه را گل و آب فرا گرفته بود، رسول خدا صلی الله علیه وآله ما را به نماز وامی داشت.» آن گاه فرمود: «فَصَلِّي بِنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِنَّ أَرْبَنَةَ أَنْفِهِ لَفِي الطَّيْنِ» (بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۰) پس رسول خدا صلی الله علیه وآله با ما نماز [جماعت] خواند، در حالی که نوک بینی حضرت در گل [فرو رفته] بود.

۵. افطاری دادن و اطعام نمودن

از اعمالی که در ماه مبارک رمضان مورد تأکید قرار گرفته، افطاری دادن به دیگران است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در خطبه معروف شعبانیه می فرماید: «مردم بیدار باشید! کسی که از شما به روزه دار مؤمن در این ماه افطاری دهد، پاداش آزاد نمودن یک برده و بخشش گناهان گذشته را همراه دارد. عرض شد: ای رسول خدا! ما توان افطاری دادن نداریم. حضرت فرمود: بترسید از



دیده می شود مراسم قرآن سرگرفتن است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «برای سه شب قرآن کریم را مقابل خود قرار دهید و آن را بکشایید و بخوانید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُلْكُ...» (همان: ج ۵).

۴. برپایی نماز جماعت در شب قدر

از عباداتی که سخت در اسلام بر آن سفارش شده، مخصوصاً در ماه مبارک رمضان، برپایی نماز جماعت است.

• انس بن مالک از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمودند:

«مَنْ صَلَّى مِنْ أَوَّلِ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ فِي جَمَاعَةٍ فَقَدْ أَخَذَ بِحَظِّ مَنْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ» (کنز العمال، ج ۸، ص ۵۴۵، ح ۲۴۰۹۰).

کسی که از اول تا آخر ماه رمضان در نماز جماعت حاضر شود، بهره‌ای از شب قدر گرفته است. و امام صادق علیه السلام نیز نماز صبح را به جماعت برگزار می نمود، و بعد از آن تا مدتی مشغول تعقیبات می شد. (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۰).

• پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و یاران او و دیگر معصومان علیهم السلام در سخت ترین شرایط نماز جماعت شب قدر را ترک نمی کردند. حضرت علی

آتش! ولو با دادن نصف دانه خرما و از آتش پرهیزید! گر چه با دادن شربت آب باشد.» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۰).

• پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از کسانی بود که هر چه به دیگران می فرمود، خود بیش از دیگران بدان عمل می نمود و در این مورد نیز چنین است. «ابو شیخ ابن حیان» از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده که حضرت فرمود:

«مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ كَسْبٍ حَلَالَ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ لَيْلَةَ رَمَضَانَ كُلِّهَا وَ صَافَحَهُ جِبْرَائِيلُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ مَنْ صَافَحَهُ جِبْرَائِيلُ يَرِقُّ قَلْبُهُ وَ تَكْتُرُ دُمُوعُهُ...» (الترغیب و الترهیب، ج ۲، ص ۹۵، ح ۱۴).

کسی که با مالی که از راه حلال به دست آورده در ماه رمضان روزه‌داری را افطاری دهد، در تمام شبهای رمضان فرشتگان بر او درود می فرستند و جبرئیل در شب قدر با وی مصافحه می کند و هر کس جبرئیل با او مصافحه کند، قلبش نرم و اشک چشمش زیاد شود.

• امام علی علیه السلام نیز در شبهای مبارک رمضان و شبهای قدر به مردم اطعام می کرد و آنها را موعظه می



نمود؛ چنان که در روایتی می خوانیم:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعَشُّ النَّاسَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّحْمِ وَلَا يَتَعَشَّى مَعَهُمْ فَإِذَا فَرَعُوا حَطَبَهُمْ وَوَعَّظَهُمْ... وَ قَالَ فِي حَظْبَتِهِ إِعْلَمُوا أَنَّ مَلَكَ أَمْرِكُمُ الدِّينُ وَ عِصْمَتِكُمُ التَّقْوَى وَ زِينَتِكُمُ الْأَدَبُ وَ حُضُونُ أَعْرَاضِكُمُ الْحِلْمُ» (سفينة البحار، ج ۱، ص ۷۰۳).

همیشه علی بن ابی طالب علیهما السلام [و افطاری تهیه شده] از گوشت را به مردم در ماه رمضان می داد، ولی خود از آن [گوشت] استفاده نمی کرد. پس هنگامی که [از خوردن شام] فارغ می شدند، برای آنها خطبه می خواند و آنها را موعظه می نمود... و در خطبه اش فرمود: بدانید ملاک امر [و کارهای] شما دین است و نگه دارنده شما تقوا، و زینت شما ادب، و دزهای [نگه دارنده] آبروی شما حلم است.»

• و امام زین العابدین علیه السلام نیز در طول ماه مبارک رمضان در راه خدا اتفاق می کرد و صدقه می داد؛ چنان که در حدیثی می خوانیم:

«كَانَ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ تَصَدَّقَ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَيَقُولُ: لَعَلِّي أَصِيبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ» (بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۸۲).

(امام سجاد علیه السلام) روشش این بود که هر روز از ماه [مبارک] رمضان درهمی صدقه می داد و آن گاه می فرمود: شاید [با این کار صدقه] شب قدر را دریابم.»

• و امام صادق علیه السلام فرمود: «جلدَم امام زین العابدین علیه السلام روزی که روزه می گرفت، دستور می داد گوسفندی ذبح کنند و آن را تکه تکه نموده، بپزند. هنگام افطار که نزدیک می شد، حضرت به دیگها سر می زد تا بوی آنها را استشمام کند، در حالی که روزه دار بود. سپس دستور می داد ظرفها را پر کنند و یکی یکی به در خانه افراد [فقیر] ببرند تا آنجا که غذا تمام می شد. آن گاه خود با نان و خرما افطار می نمود.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۴).

و همچنین امام صادق علیه السلام نیز شب در خانه فقرا می رفت و به آنها نان و خرما می داد و سفارش می فرمود: «در ماه رمضان به مردم افطاری بدهید.» (همان).

شب قدر در نگاه مفسران شیعه

مفسران شیعه با استناد به ظاهر آیات سوره قدر معتقدند شب قدر اختصاص به شب نزول قرآن در عصر پیامبر (ص) ندارد، بلکه هر سال تکرار می شود) السیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۸ ص ۵۷۱. (روایات بسیاری) الشیخ حرّ العاملی، وسائل الشیعة، چاپ آل البیت، ج ۱۰، ص ۳۵۶. نیز که به عقیده برخی (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۵ ش، ج ۲۷، ص ۱۹۰). در حد تواتر است، این مطلب را تأیید می کند. با این حال، زمان دقیق شب قدر معلوم نیست و در آیات و روایات، تصریحی به اینکه شب قدر کدام یک از شب های سال است، وجود ندارد. ولی روایات بسیاری تأکید می کند که شب قدر در ماه رمضان واقع شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۷۸۶).

• به گفته علامه مجلسی، شب قدر از نظر علمای امامیه

منحصر در یکی از شب های ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان است و روایات نیز در این باره فراوان است) مجلسی، مرآة العقول، ۱۶۰۴، ج ۱۶، ص ۳۸۱. (شیخ صدوق گفته است که اساتید ما اتفاق نظر دارند که شب قدر، شب ۲۳ رمضان است.) صدوق، الخصال، ۱۳۶۲ ش، ص ۵۱۹. به گفته ملافتح الله کاشانی در کتاب منهج الصادقین نیز از نظر بیشتر علمای امامیه، شب قدر، شب ۲۳ رمضان است) کاشانی، منهج الصادقین، کتابفروشی اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۰۶. (گفته شده احادیث متعددی نیز در تعیین شب ۲۳ به عنوان شب قدر نقل شده است. بنابر برخی روایات، شب نوزدهم تقدیرها نوشته می شود و در شب بیست و یکم، إبرام (قطععی) می گردد در شب بیست و سوم امضای نهایی اتفاق می افتد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۹ و ۱۶۰). شب ۲۷ رمضان و شب نیمه شعبان هم دو احتمال دیگر برای شب قدر است.

لیلَةُ الْجَهَنِّي: یکی از شب هایی که احتمال دارد شب قدر باشد و شب زنده داری و احیاء آن در روایات مورد تأکید قرار گرفته، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است، و به جهت روایتی به شب جهنی شهرت یافته است عبد الله بن بکیر، از زواره، از امام باقر یا صادق (ع) روایت کرده است: از آن امام در باره شب هایی از ماه رمضان که غسل در آنها مستحب است، سؤال کردم، امام فرمود: شب نوزدهم، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم و فرمود: شب بیست و سوم شب «جَهَنِّي» است، و حکایتش چنین است که فردی به نام جهنی (عبدالله انیس انصاری) به رسول خدا (ص) گفت که منزل من از مدینه دور است، پس شبی را به من بفرمای تا به آن جا بیایم، پیامبر (ص) به او فرمود تا در شب بیست و سوم به مدینه بیاید. (الشیخ الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۰). حکایت و جریان شب جهنی نیز اینگونه نیز روایت شده که شخصی به نام عبدالله بن انیس انصاری که اهل جَهَنه بود. خدمت پیامبر خدا (ص) رسید و عرض کرد: خانه من دور از مدینه است و شتران و گوسفندان و غلامانی دارم، دوست دارم فرمان دهید شبی از ماه رمضان را به مدینه و مسجدالنبی بیایم و عبادت کنم. پیامبر (ص) او را نزدیک خود خوانده و در گوش او چیزی فرمودند و او از آن زمان به بعد، هر سال شب بیست و سوم رمضان به مدینه می آمد و سراسر شب در مسجدالنبی عبادت می کرد و صبح می رفت، پس از این گفت و گو و مشاهده رفتار عبدالله انیس انصاری در شب بیست و سوم، این شب «شب جهنی» نامیده شد و لیلَةُ الْجَهَنِّي نامی برای شب قدر گردید، به گونه ای که اصحاب امامان از زمان شب جهنی می پرسیده اند. ابوبصیر گفته است، از امام صادق (ع) پرسیدم: جانم فدای شما! شب بیست و سوم لیلَةُ الْجَهَنِّي است؟ امام پاسخ دادند: «این گونه گفته می شود!» امام صادق (ع) فرموده اند: «شب بیست و سوم از ماه رمضان، شب جَهَنِّي است که در آن بر اساس حکمت الهی هر امری تدبیر و جدا می گردد و در آن بلاها و مرگها و عمرها و روزیها و قضایای الهی و تمام آنچه خداوند تا چنان شبی در سال آینده پدید می آورد، ثبت می شود؛ پس خوشا به حال بنده ای که این شب را با رکوع و سجود احیاء دارد (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۰).

نتیجه گیری:

شب قدر یا لیلَةُ القَدْرِ شب نزول قرآن و مقدر شدن امور یکساله انسانهاست. قرآن در سوره‌های قدر و دخان از این شب سخن می‌گوید. براساس آیات قرآن و روایات، ارزش شب قدر بیش از هزار ماه است. قدر کلمه‌ای عربی به معنای اندازه، تقدیر و سرنوشت است. درباره اینکه چرا این شب را «شب قدر» نامیده‌اند، دلایلی ذکر شده است. طبق احادیث رسیده از ائمه معصومین (علیهم السّلام) نزول قرآن کریم و

برخی از کتب آسمانی دیگر در ماه رمضان بوده است.

یکی از مهمترین آیات قرآن که درباره نزول قرآن سخن گفته است آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره است. در احادیث رسیده از جانب رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السّلام) از نازل شدن مقدرات یک سال آتی در این شب بر نبی خدا یا اوصیای ایشان خبر داده‌اند و این سنت الهی از ابتدای آفرینش زمین وجود داشته است و ادامه خواهد یافت. اگر از نظر موضوعی بخواهیم این آیات را دسته بندی کنیم به شرح ذیل است:

۱. ارزش شب قدر بیش از هزار ماه
۲. نزول قرآن و برخی کتب آسمانی در ماه مبارک رمضان و شب قدر
۳. چگونگی نوشتن مقدرات در شب قدر
و ...

با توجه به عظمت شب قدر، سیری در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام در این شب خواهیم داشت مانند آیات قرآن می‌توان از نظر محتوایی به عناوینی چون عبادت و شب زنده داری، حضور در مساجد، برپایی نماز جماعت و ... تقسیم بندی کرد.

دیدگاه مفسران شیعه با استناد به ظاهر آیات سوره قدر این است که شب قدر اختصاص به شب نزول قرآن در عصر پیامبر (ص) ندارد، بلکه هر سال تکرار می‌شود. و روایاتی وجود دارد که در حد تواتر است. یکی از شب‌هایی که احتمال دارد شب قدر باشد و شب زنده‌داری و احیاء آن در روایات مورد تأکید قرار گرفته، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است، و

به جهت روایتی به شب جهانی شهرت یافته است که عبد الله بن بکیر، از زواره، از امام باقر یا صادق (ع) روایت کرده است.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، الأملی، تهران، کتابچی، چاپ ششم،
۲. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

۳. بروجردی، سید

محمد ابراهیم

(۱۳۶۶ش)، تفسیر

جامع، تهران،

صدر.

۴. حر عاملی،

محمد بن حسن،

(۱۴۰۹ق)، وسائل

الشیعۀ، محقق /

مصحح: مؤسسه آل

البیت، قم: مؤسسه

آل البیت، چاپ:

اول.

۵. سیوطی،

عبدالرحمن بن

ابی بکر، (۱۴۰۴ق)،

الدر المثور فی

التفسیر بالمأثور،

ایران- قم: کتابخانه

عمومی حضرت

آیت الله العظمی

مرعشی نجفی (ره)

۶. شاه عبدالعظیمی،

حسین بن احمد

حسینی، (۱۳۶۳ش)،

تفسیر اثنا عشری،

تهران، میقات.

۷. صفار، محمد بن حسن، (۱۳۹۳ق، بصائر الدرجات

فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ترجمه محمد

فربودی، بی جا، پیام مقدس، چاپ دوم،

۸. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش)، ترجمه ی تفسیر

المیزان. مترجم: موسوی، محمد باقر. قم، ایران: جامعه

ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، دفتر انتشارات

اسلامی، چاپ پنجم.

۹. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر

القرآن. بیروت، لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات،

چاپ دوم.

۱۰. طبرسی، فضل بن محمد. (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان

فی تفسیر القرآن. تصحیح: یزدی طباطبایی، فضلالله،

رسولی، هاشم. تهران، ایرا: ناصر خسرو، چاپ سوم.

۱۱. طبرسی، فضل بن محمد. (۱۴۰۰ق). ترجمه تفسیر

مجمع البیان. مترجم: نوری همدانی، حسین؛ بهشتی،

احمد. مصحح: موسوی کلاتری، سید آقا؛ رسولی،





هاشم. تهران، ایران: فراهانی، چاپ اول.

۱۲. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت، لبنان: دار المعرفه، چاپ اول.

۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، محمد بن تحقیق خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ: چهارم،

۱۴. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، محقق

/ مصحح: مؤسسه البعثه، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه. تهران، ایران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دهم.



«مسئله‌ی حجاب» اثر شهید مطهری



لیلا حاجی
کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات‌پایداری) دانشگاه سمنان

حجاب پوششی است که رعایت آن اصول اساسی و اعتقادی ویژه می‌خواهد. کدام خانم و کدام زن از زیبایی و آراستن خوشش نمی‌آید؟! کدام بانو آراستگی ظاهرش برایش بی‌اهمیت است؟! کدام...

هیچ و هیچ یک از بانوانی که پوششی چون حجاب را برای خود انتخاب می‌کنند، غریبه با آراستگی نیستند.

هیچ کدام بی‌تمایل به زیبایی دخترانه و زنانه نیستند.

آن‌ها در اعتقاد و باورشان اصل و اساسی را رعایت می‌کنند تا همه‌ی آن زیبایی‌ها و زینت‌ها را گرمی‌تر بدانند. چه بسا برای حفظ آن زیبایی و زینت‌ها این قدر تلاش و کوشش می‌کنند. پوشیدگی زن، می‌تواند با اختیار و انتخاب خودش باشد.

باید به آن باور داشته باشد تا بتواند انجام دهد و عملی هم آن را رعایت کند. هیچ اجبار و هیچ تهدیدی نباید بانوان را به سوی رعایت حجاب وادار کند، که این عاقبتی شوم دارد و نه تنها باعث

باحجاب شدن نمی‌شود، که باعث دل زده شدن و دلسرد شدن نسبت به رعایت این اصل الهی هم می‌شود.

پوشش اسلامی، با تعاریف و واژگان مختلف تعریف می‌شود؛ و چه خوب است با عشق و احترام، با اراده‌ی شخصی و نیت خودمان به این نتیجه برسیم که حجاب و مسئله‌ی پوشش برای ما چه لحظات گوارا و نابی را رقم می‌زند.

آدم‌ها با منطق، مطالعه و دانستن امر الهی بهتر می‌توانند تمرین بندگی کنند. گاهی اصلی چون حجاب به لحاظ علمی هم ثابت شده است.

و گاه نیاز به تحقیقات گسترده‌تری دارد. بدانیم و به نظرات همه اқشار احترام بگذاریم تا اگر ذره‌ای تردید نسبت به حجاب وجود دارد، به یقین و اطمینان بدل شود؛ چرا که تعصبات بی‌جا راه به جایی نمی‌برند.

کتاب مسئله‌ی حجاب، کتابی پاسخگو به شبهات ذهنی و فکری ما در مسئله پوشش و حجاب است. گویا شهید مطهری سال‌ها جلوتر از زمان خودش زندگی کرده و اگر فردی دنبال حقیقت باشد، می‌تواند پاسخی شایسته و درخور پیدا کند. شما می‌توانید کتاب صوتی مسئله‌ی حجاب را با ۴ درصد تخفیف از طریق کد **Tahoori** از فیدیو دریافت کنید.

در ادامه؛

[کتاب صوتی «مسئله‌ی حجاب» اثر استاد شهید مطهری شامل پنج بخش است؛ این کتاب توسط بنیاد علمی فرهنگی شهید مطهری با همکاری انتشارات صدرا تولید شده است.

در بخش اول؛

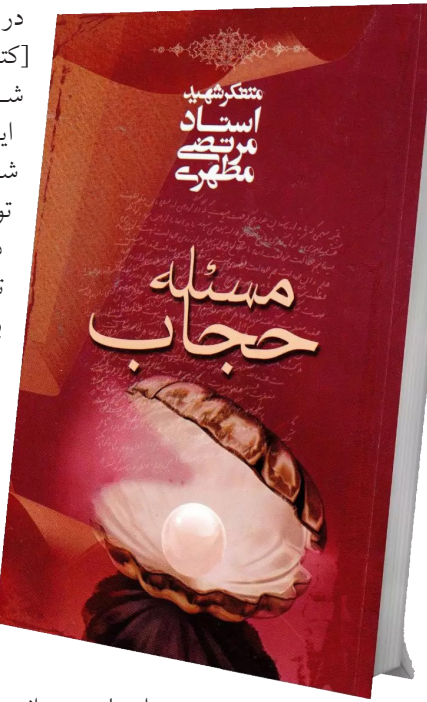
تاریخچه‌ی حجاب در قوم یهود، ایران باستان، جاهلیت عرب و هند مورد بررسی واقع شده است.

در بخش دوم؛

علت پیدا شدن حجاب در میان اقوام و ملل گوناگون و نظریات متنوع در این باب (ریاضت و رهبانیت، عدم امنیت، استعمار زن، حسادت مرد و ...) طرح و نقد شده است.

بخش سوم؛

به تبیین فلسفه‌ی پوشش در اسلام از ابعاد و جوانب مختلف اختصاص یافته است.



در بخش چهارم؛

به ایرادها و اشکال‌هایی که بر اصل حجاب و پوشش از سوی مخالفان حجاب گرفته می‌شود پاسخ‌های مستدل و منطقی داده شده است.

در بخش پایانی کتاب؛

اصل حجاب و حدود آن با عنایت به آیات و روایات و سیره‌ی مسلمین به طور مفصل مورد بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.]

این کتاب صوتی را در
طاقچه بشنوید
taaghche.com





مولود کعبه

زینب مختاری

کارشناسی زبان و ادب فارسی دانشگاه شیراز

به نام یکتایی که آفریننده‌ی مردی شد که ولادتش در کعبه و شهادتش در مسجد بود...
 ناد علیا مظهر العجائب تجده عوناً لک فی نوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یاعلی یاعلی یاعلی...
 ای دلی که لحظه به لحظه، پروردگار، از سوی آسمان‌ها پناه بی‌پناهی‌هایت را مردی قرار داد که او را اسدالله می‌نامند... می‌دانی این غروب دلگیر دلیلش چیست؟ می‌دانم آن قدر غم داری که توانی برای درد و دل کردن نداری. سکوت قلب‌های عاشق از این است که در غروب شهادت ولی الله قرار دارند و نمی‌دانند چگونه داغ بر جگر، حک شده را تسکین دهند.
 در این شب تاریک دیدگان چشم‌های خیس از اشک همانند بغض شکسته شده یتیمان کوفه‌ای است که با ظرف شیر در دست خیره به خانه

خورشید هستند. چگونه شام تاریکی که فاتح خبیر ما را از ما گرفت به نور و روشنایی می‌رسد؟ اصلاً این شب تلخ توانی برای تمام شدن دارد؟ اصلاً کدام دل‌داده‌ای است که در غم از دست دادن علی مرتضی خون نگیری و قرار داشته باشد؟ امشب بیست و یکم رمضان است و سالروز نشستن داغی بزرگ بر دل شیعیان علوی و مهدوی! شیعیان فراموش نمی‌کنند آن شعله‌هایی که گل یاس پیامبر(ص) را سوزاند و آن شمشیر جفایی که فرق مولای ما را شکست... نه تنها با این کار اشقیای فرق سیف الله خدا شکستند، بلکه کمر ما نیز شکست. ما ساکت نمی‌نشینیم. در طول تاریخ تا به امروز ابن ملجم‌های بسیاری قلب ما را زخمی کرده‌اند. ما همگی آماده در صف جهاد ایستاده‌ایم تا منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود(عج) با ذولفقار حیدر کرار بیاید و انتقام مظلومیت اهل بیت(ع) را بگیریم...

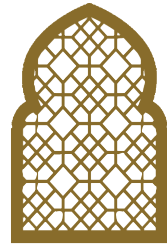
تا ابد افتخار ما این است که خداوند یکتا، حامی و پناه ما را از اهل بیتی قرار داد که آن را با رسالت نبی‌اش، حضرت محمد(ص)، بر ما آشکار نمود و آغاز ولایتش را علی بن ابی طالب(ع) و انتهایش را حضرت مهدی(عج) قرار داده است.



زهرة عامری دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، سال هشتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۴۰۱

ماه رمضان برکت بسیار بینیم هرچیز که خیر است در افطار بینیم
ماه رمضان فرصت دیدار خدایی است یعنی که در این ماه یار بینیم
هر آیهی قرآن به ثوابی ست دوچندان یک ذکر بگوییم؛ چه بسیار بینیم
این ماه به زیبایی گل‌های بهشت است از روزنه‌ای جنت دیدار بینیم
تا بوده چنین بوده که هر عهد وفا راست امید به این وعده که هر بار بینیم
ما بنده‌ی عاصی به درگاه تو هستیم ما آمده تا مغفرت از یار بینیم
چون بارگهت ساحل نیکی است همیشه امید که دریایی از انوار بینیم





مصاحبه با جناب آقای حسین پرندک

قاری قرآن کریم و خادم بارگاه شاهچراغ (ع)

مصاحبه و تنظیم: ثمین توان
کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

ششم ذی القعدة مصادف است با روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ (ع). از این رو بر آن آمدیم تا با یکی از خادمین این حرم مبارک گفت‌وگویی داشته باشیم. ایشان همچنین یکی از قاریان برجسته‌ی این حرم شریف و استان فارس هستند که دوره‌ی کارشناسی خود را در دانشگاه شیراز به اتمام رساندند و در این دوران توانستند در مسابقات دانشجویی نیز حائز مقام شوند.

شروع کرده و سطح به سطح ادامه دادم و در همین برهه‌ی زمانی با مسابقات قرآنی دانش آموزی نیز آشنا شدم و همزمان در این مسابقات شرکت کردم و بحمدالله موفق به کسب مقام هم می شدم.

*** شما در دارالقرآن حرم مطهر زیر نظر چه استاد بزرگوارى تحت تعلیم قرآن قرار گرفتید؟**

در آن مقطع دارالقرآن حرم از حضور جناب استاد مهبودی و استاد امیدوارى بهره می‌برد و بنده نیز زیر نظر این دو بزرگوار تعلیم دیده و از تجاربشان بهره‌مند شدم.

*** پسر بچه‌ها در سنین کم به دلیل جنب و جوشی که دارند، معمولا به رشته‌های ورزشی علاقه‌مند می‌شن؛ چه چیزی شما رو در اون سن به سمت این مسیر سوق داد؟**

خب حقیقت این هست که در آن سنین خردسالی خود بنده نیز درک واضح و عمیقی از برکات و معنویت عظیمی که در اثر قرائت قرآن و ایجاد انس با آن در زندگی شخص ایجاد می‌شود، نداشتم و خب این را مقتضای آن سنین می‌دانم؛ ولی می‌توانم بیاد آورم آنچه بنده را به این مسیر متعالی هدایت و بحمدالله در این مسیر حفظ نموده، دو چیز بود؛

یکی تاکید خانواده و تشویق پدر و مادرم بر این‌گونه

سلام و عرض ادب و احترام دارم خدمت شما. امیدوارم روز را به خوبی پشت سر گذاشته باشید. در ابتدا از شما سپاسگزارم که این فرصت را در اختیار نشریه‌ی قرآنی دانشگاه قرار دارید تا این مصاحبه به انجام برسد.
*** در ابتدا از شما می‌خواوم که لطف بفرمایید و خودتون رو معرفی کنید.**

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب و احترام دارم محضر شما و تمامی خوانندگان و دنبال کنندگان نشریه‌ی قرآنی طهورا.
حسین پرندک هستم. فارغ التحصیل کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه شیراز.

*** بهتر می‌دونم که در ابتدا درباره‌ی فعالیت‌های قرآنی جناب عالی صحبت کنیم. شما از چه سنی و در چه سطحی فعالیت‌های قرآنی خودتون رو شروع کردید؟**

خدا را شاکر هستم که به بنده این توفیق را داد تا با راهنمایی‌ها و پیگیری‌های مادرم، که در اینجا بر خود لازم می‌دانم برای شادی روح‌شان طلب مغفرت کنم، از سنین حدود ده-یازده سالگی با کلاس‌های دارالقرآن حرم مطهر شاهچراغ (ع) آشنا شدم و در این کلاس‌ها شرکت می‌کردم. کلاس‌های روخوانی، روانخوانی، تجوید و ... که بنده در پایه‌ی چهارم-پنجم دبستان، از کلاس‌های روخوانی

فعالیت‌ها بود که بنده رو به این فضا سوق می‌داد و باعث الگوگیری من می‌شد و دیگری آشنایی من با مسابقات قرآن در همان زمانی که به سمت آموزش قرآن قدم برداشته بودم. آن فضای رقابتی و تلاش عده‌ای بچه‌های هم‌سن و در کنار آن کسب مقام کردن در این مسابقات و تشویق و لمس حس زیبای نتیجه دادن تلاش‌ها در سنین کودکی، تاثیر زیادی در قدم برداشتن بنده در این مسیر داشت.

از چه زمانی بعد از شروع فعالیت قرآنیون در مسابقات شرکت کردید؟

همانطور که عرض کردم تقریباً در همان زمانی که تحت آموزش قرآن قرار گرفتم، شرکت در مسابقات دانش آموزی قرآن هم آغاز شد. در واقع بعدی در کار نبود و همین مسابقات راهی بود برای محک زدن توانمندی‌ها. به عبارتی برای بنده تعلیم، رقابت و محک خود از طریق شرکت در مسابقات دوشادوش هم اتفاق افتاد.



افتاد.

به خاطر دارید که اولین مقام قرآنی شما در چه سنی و در کدام مسابقه بود؟

بله؛ اولین مقام قرآنی بنده در سن دوازده سالگی بود. در آن زمان دانش آموز پنجم ابتدایی بودم و در سطح مدارس ناحیه‌ی یک شیراز، در رشته‌ی قرائت تحقیق، مقام اول رو کسب کردم و به مسابقات پنج‌گانه راه پیدا کردم.

آیا در دوران دبیرستان و یا در دوران تحصیلتان در دانشگاه، علاوه بر شرکت در مسابقات، در زمینه‌ی قرآنی، فعالیت دیگری هم داشتید؟

بله. بحمدلله. در مکان‌های گردشگری شهر شیراز همچون آرامگاه حافظ، مسجد نصیر الملک و هتل سنتی نیایش به صورت هم‌زمان محافل قرآنی، با دید تبلیغی و توریستی، برگزار می‌کردیم و این محافل به صورت چند زبانه برگزار می‌شد که بحمدلله تاثیرات زیادی هم بر مخاطبین داشت.

و هم‌چنین بحث مؤذنی و مکبری و تلاوت در حرم مطهر شاهچراغ(ع) را که در ادامه خدمت شما عرض خواهم کرد.

این دو فعالیت از بین فعالیت‌های قرآنی بنده در دوران تحصیل در مدرسه و دانشگاه نسبت به دیگر فعالیت‌های من پررنگ‌تر هست.

آیا برای شما زمانی هم پیش آمده که در مسابقه‌ای شرکت کنید و مقامی نیارید؛ اما شرکت در اون مسابقه رو راهی برای بهتر شدن بدونید؟ اگر چنین بوده ممنون می‌شم که دربارش برای ما بفرمایید.

به‌طورکلی دید من به مسابقات یک دید مسابقه‌محور و فردی نیست. و بیشتر برای محک زدن دانسته‌های قرآنی در مسابقات شرکت می‌کنم. هر زمانی هم که در مسابقه‌ای شرکت می‌کنم، به رفقایم می‌گویم که الان تلاش من بر این هست که در این مسابقه صد در صد خودم را نشان بدهم و تلاوتی آبرومند داشته باشم؛ حتی اگر مقامی هم کسب نکنم. در واقع همیشه بر این باور بوده‌ام که رقابت اصلی بنده با خودم است و نه دیگران و همیشه هم به همین صورت بوده که اگر در مسابقه‌ای شرکت کنم و خودم از فضای تلاوت‌م راضی باشم، حتی در صورت عدم کسب مقام، ناراحت نخواهم شد؛ اما اگر برعکس این ماجرا اتفاق بیفتد و نتوانم نیت و انگیزه‌ی خودم را، مبنی بر نشان دادن تمام توانمندی و ظرفیت‌های خود، در آن تلاوت عملی کنم اندکی ناراحت می‌شوم و به دنبال جبران آن خواهم بود.

قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان هست. قطعاً برای بسیاری، که به خواندن آن عادت دارند، گوشه‌ی امن و آرامشی است برای تسلا‌ی خاطر و آرامش قلب‌هایشان.

حالا برای شما که سال‌هاست با این کتاب عزیز مانوس هستید، قرآن علاوه بر آن کنج امن و آرامش چه جایگاه دیگری دارد؟*

خب این سوال کمی پیچیده هست و خیلی قابل توضیح دادن و در بیان آوردن نیست.

هر فردی از قلب و زندگی خودش باخبر هست. می‌داند که چه نوع ارتباطی با قرآن دارد. مسلمانان آرامش‌بخشی قرآن، که خداوند هم در این باره فرمودند، یکی از صفات عام و همیشگی قرآن هست. اما در ابعاد دیگر، هر کسی زمانی که برگردد و به زندگی و خودش نیم نگاهی کند، قطعاً ظرف وجودیش از آثار و برکاتی که در نتیجه این ارتباط است لبریز می‌شود؛ و اما آن برکت و عزتی که خداوند از قبل خادم بودن و تلاش برای عامل بودن به قرآن نصیب بنده کرده بسیار برای من ارزشمند است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا». هرکسی که خواهان عزت و سربلندی هست، تمام عزت نزد خداست و قرآن هم کتاب خداست پس برکت و عزت قطعاً به سمت کسی که با نیت خالصانه و عمل بدان، به سمت قرآن قدم بردارد، روانه خواهد شد. درواقع آن کنج امن و آرامش برای من همین برکات و عزتی هست که بسیار آن را در زندگی مشاهده کردم.

انسان در طول زندگی و حتی در طول یک روز ممکن هست که با اضطراب‌ها، ترس‌ها و دل‌نگرانی‌هایی روبه‌رو بشه؛ آن‌چنان که قلب انسان رو سنگین کنه. شما برای رهایی از این نوع غم‌ها چه کارهایی رو انجام می‌دید؟

قرآن خود مأمّن آرامش هست و شاهد مثال آن بیان ارزشمند خداوند، که خالق انسان و آرامش است،





می‌باشد که می‌فرماید: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب». آرامش قلب و اطمینان خاطر، تنها و تنها با ذکر نام خداوند حاصل می‌شود. خیلی‌ها امروزه آسایش و آرامش را با هم یکی می‌دانند و فکر می‌کنند اگر شغل خوب، رشته‌ی تحصیلی خوب، خانه‌ی خوب داشته باشند به آرامش رسیدنشان حتمی هست و اصلا همه‌ی این‌ها یعنی آرامش. اما این‌ها عوامل ظاهری آسایش هست و یک شخص حتی اگر این زندگی ظاهری خوب را داشته باشد، ممکن است آرامش خاطر حقیقی نداشته باشد. اما شخصی که ارتباط روحی خودش را با قرآن و ذکر خدا و توسل به ائمه داشته باشد، قطعاً هر سطحی از آسایش زندگی را هم که دارا باشد، به منبع آرامش حقیقی متصل است و زندگی‌اش قطعاً در آرامش حقیقی خواهد بود.

* پروردگار ما، از جهت کدام صفت در ذهن شما پررنگ‌تر هست؟

– درباره‌ی ائمه‌ی اطهار می‌گویند که، کلهم نورٌ واحد. و اسماء الهی هم همگی نور واحد هستند و همگی به ذات اقدس پروردگار متعال برمی‌گردند. در عین حال که خداوند جبار هست، رحمان و رحیم هم هست. در عین حال که خداوند از حق بنده‌اش نمی‌گذرد اما به بنده‌اش این نوید را می‌دهد که اگر خودت را در مسیر اصلاح قرار بدهی، از حق خودم می‌گذرم. و زیبایی قضیه نیز در همین مسأله نهفته است.

اما به شخصه برای بنده صفت یا کریم یا ربُّ در ذهنم بسیار پررنگ‌تر است.

می‌گویند که کریم کسی هست که نمی‌تواند نبخشد و قبل از این‌که ما از او بخواهیم، خودش بخشیده و کرم کرده.

خاطره‌ای به ذهنم آمد که ذکر آن در پاسخ به این سوال را خالی از لطف نمی‌دانم. یک روزی داشتیم تلاوت تقلیدی از استاد عبدالباسط رو تمرین می‌کردیم و استاد مهبودی هم حضور داشتند. استاد عبدالباسط داشتند انتهای سوره‌ی قمر که به سوره‌ی الرحمن وصل می‌شود را تلاوت می‌کردند. ما در آن زمان خیلی متوجه این معانی و عبارات نبودیم. اما شاهد این بودیم که استاد مهبودی با شنیدن این آیات و مفاهیم بسیار متأثر و منقلب می‌شوند. بعدها که مراجعه کردیم و این آیات انتهایی را تلاوت کردیم، متوجه عمق مفاهیم نهفته در این آیات شدیم.

آیه‌ی انتهایی سوره‌ی قمر می‌فرماید: «فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» و استاد عبدالباسط این آیه را به آیه‌ی ابتدایی سوره‌ی الرحمن که می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ» متصل می‌کردند و درواقع این دو صفت خداوند که یکی مقتدر بودن و دیگری رحمان بودن هست، در کنار هم قرار می‌گرفت.

* خب بهتره که سوالات رو به سمت بعد دیگری از زندگی شما هدایت کنیم. شما افتخار خادمی حرم حضرت شاهچراغ(ع) رو دارید. بفرمایید که از چه سالی به این مهم مفتخر شدید.

– خب شروع آموزش بنده از دارالقرآن حرم شاهچراغ(ع) بود و در آن زمان خود دارالقرآن مسابقاتی برگزار می‌کرد. بنده تقریباً در سنین نوجوانی بودم که در این مسابقات شرکت می‌کردم و مقام اول را هم در رشته‌ی تحقیق کسب کردم. اواخر سال دوم دبیرستان، که شانزده یا هفده ساله بودم، از حرم با بنده تماس گرفتند و گفتند که حرم مطهر برای وعده‌های نماز به قاریانی و مکبرانی نیاز دارند تا به‌صورت زنده قرآن و اذان را در حرم مطهر تلاوت کنند. خب من هم رفتم و در مصاحبه‌ای که حرم برای این امر می‌گرفت شرکت کردم و بحمدالله قبول شدم. و این‌گونه شد که خداوند توفیق و سعادت پوشیدن جامه‌ی خادمی و تلاوت و مکبری و مؤذنی حرم مطهر را به بنده عنایت کرد.

* شما تا چند سال قبل محصل بودید و اکنون دانشجو هستید؛ فعالیت‌های قرآنی، شرکت در مسابقات، خادمی حرم حضرت شاهچراغ(ع) در کنار تحصیل، تمام این‌ها رو چگونه در کنار هم مدیریت می‌کنید؟

– شاید با شنیدن این صحبت فکر کنید که این حرف بنده کلیشه‌ای هست که ممکن است هر کسی بزند. اما بنده این را حس کردم که اگر به دنبال فعالیت قرآنی نبودم، نمی‌توانستم به این شکلی که باید و برایم مقدور بود درس را پیش ببرم. اصلاً وقتی کسی به این سمت می‌آید، کل روحیات و خلیقاتش در دایره این انس و ارتباط متحول خواهد شد و نه تنها این فعالیت‌ها از پیشرفت شخص جلوگیری نمی‌کند، که حتی خود پلی است برای ارتقای انسان در تمام زمینه‌ها.

* شما عضوی از گروه تواشیح امین ولایت هستید. از جرقه‌ی شکل‌گیری این گروه و چگونگی کنار هم جمع شدن اعضا برای ما بفرمایید. چه چیزی شما رو بر آن داشت که این گروه رو کنار هم گرد بیاورید؟

– زمانی که ما در دارالقرآن حرم مطهر بودیم، و بحث خادمی و تلاوت قرآن را پیش می‌بردیم؛ در مناسبت‌های مختلف حرم مطهر اگر برنامه‌ای داشت که به گروه تواشیح نیاز بود، اجباراً می‌بایست از گروه‌های تواشیح سطح شهر دعوت می‌کردیم. اما خب خیلی از این گروه‌ها برنامه‌ای که مستقیماً به حضرت شاهچراغ(ع) مربوط شود را نداشتند و یا اینکه برای هماهنگی‌ها گاهی با مشکل مواجه و ممکن بود در آن زمانی که حرم مطهر برنامه‌ای داشت برایشان امکان حضور در مراسم وجود





_ بنده در نظر دارم به عنوان حسن ختام این گفتگو، همان دعاهایی را که پس از تلاوت های قرآن اذان گاهی در حرم مطهر قرائت می‌کنم، را بیان کنم.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِنُورِ الْقُرْآنِ. اللَّهُمَّ زَيِّنْ أَخْلَاقَنَا بِزِينَةِ الْقُرْآنِ.
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا شَفَاعَةَ الْقُرْآنِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا بِالْقُرْآنِ. اللَّهُمَّ ارْحَمْ
 مَوْتَنَا بِالْقُرْآنِ. اللَّهُمَّ اهْدِنَا يَهْدَايَةَ الْقُرْآنِ. اللَّهُمَّ اشْفِ مَرْضَانَا بِالْقُرْآنِ.
 وَ عَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا وَ صَاحِبِنَا بِالْقُرْآنِ.

شما فرمودید که خداوند در قرآن می‌فرماید: « مَنْ كَانُ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ». دعای ما از قرآن برای شما همین عزتی است که نزد خداوند هست. ان شالله که این عزت همیشگی و مادام‌العمر به سمت شما روانه باشد.

نداشته باشد. پس به ذهنمان خطور کرد که یک گروه تواشیح مختص حرم را تشکیل بدهیم. به دنبال این امر، برای جذب عضو فراخوان دادیم و از بین متقاضیان آزمون گرفتیم و در نهایت گروه تواشیح امین ولایت، منتصب به آستان مقدس حضرت شاهچراغ، تشکیل شد.

خدا را شاکریم که جو صمیمانه و دوستانه‌ای بین اعضا گروه حاکم هست و این گروه حتی در برنامه‌هایی که در خارج از حرم نیز برگزار می‌شود به گونه‌ای سفیر حرم مطهر هستند؛ و در پرتوی عنایت آقا شاهچراغ (ع) تولیدات خوبی هم در زمینه‌ی مدح و ثنای ایشان داشته‌ایم.

***گفت و گوی ما در این‌جا به پایان می‌رسد. از شما می‌خوام که برای حسن ختام این گفت‌وگو برای ما دعایی قرآنی بفرمایید.**



تلخیص کتاب حضرت امام حسن (ع)

اثر سید کاظم ارفع



زهرا شمشیری
دانش‌آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه شیراز

خود را در مقابل پروردگار خویش می‌دید. بخشنده بودن، ویژگی بارز ایشان است به گونه‌ای که ایشان تمامی اموال حتی کفش‌هایشان را نیز دو مرتبه در راه خدا قسمت کردند. ایشان اندک‌ترین عمل خیر دیگران را با بخششی عظیم جبران می‌کردند. در روزی از روزها یکی از کنیزان امام حسن (مجتبی (ع)، گل سرخی به ایشان بخشیدند و امام بزرگوار نیز در پاسخ به این مهر، او را آزاد نمودند. ایشان در برخورد با مخالفان نیز نهایت مهربانی و سخاوت را از خویش بروز می‌دادند و شعله‌ی عداوت و بی‌احترامی را با عاطفه‌ای سرشار خاموش می‌نمودند. روزی امام حسن (مجتبی (ع) از راهی سواره می‌گذشت و مردی از اهل شام با آن حضرت مصادف شد و بدون مقدمه ناسزا گفت. امام حسن (مجتبی (ع) هیچ واکنشی نشان نداد تا این که آن مرد هر چه خواست بگوید. سپس فرمود: «اگر هر گونه نیازی داری برایم بازگو کن تا آن را بر طرف کنم و چنانچه اسباب و همسفرت را به خانه‌ی ما بیاوری، خانه‌ی من به سوی شما گشوده است.» در این هنگام مرد شامی گریست و گفت: «گواهی می‌دهم که تو خلیفه‌ی خدا بر زمین هستی.» سپس شهادتین را بر زبان جاری کرد.

امام حسن (ع) شب سه شنبه یازدهم رمضان سال سوم هجرت در شهر مدینه متولد شد. رسول اکرم (ص) به خانه‌ی امیرالمومنین (ع) رفتند تا ولادت فرزند اکبر امام علی (ع) و فاطمه (س) را تبریک بگویند. امام علی (ع) در این حین از پیامبر (ص) خواستند تا نامی برای فرزندشان برگزینند. پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «من بر نام گذاری وی از خداوند پیشی نمی‌گیرم و به همین طریق جبرئیل، شب هنگام، به زمین آمد و اعلام کرد که این نوزاد، حسن نام گذاری

شده است. امام حسن (مجتبی (ع) به رسول خدا (ص) از منظر ظاهر و ویژگی‌های اخلاقی شباهت بسیار داشت. امام صادق (ع) فرمود: «امام حسن (مجتبی (ع) عابدترین و با فضیلت‌ترین مردمان زمان خویش بود. ایشان به هنگام موسم حج با پای پیاده و گاهی با پای برهنه راه می‌رفت و چون به یاد مرگ و قبر و زنده شدن مردگان و گذشتن از صراط می‌افتاد، اشک می‌ریخت. و چون به یاد عرضه‌ی اعمال به حق تعالی می‌افتاد فریاد می‌کشید و مدهوش می‌شد. ایشان هرگاه به نماز می‌ایستاد، بدنش می‌لرزید. به جهت این که



خورشید هشتم



علی رستگار
کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه شیراز

ای در خدا، که خدا در وجود توست
آیات پاک خدا تار و پود توست
از ما سلام و جواب از تو می‌رسید
روح فدای سلام و درود توست
نورت همیشه به سود نگاه ماست
جان‌ها همیشه فدایی به سود توست
حیرت، نتیجه‌ی رفتن به فکر توست
هستی تبلور جزئی ز جود توست
بالای قامت هستی فراز توست
پهنای عالم امکان فرود توست
عاشق همیشه شتابان به سوی توست
عارف همواره غلام شهود توست
گفتی که آخر دنیا چه موقعی است
گفتم که آخر دنیا نبود توست
با عین و شین خودش، عظم قاف کرد
یعنی دلم به دور ضریحت طواف کرد
خورشید هشتم عالم پدید گشت
مجنون، تمام درختان بید گشت
در شوق دیدن او روزگار رفت
چشمان کلبه‌ی احزان سپید گشت
آهو به منظر چشمش پناه برد
لطفش برای کبوتر نوید گشت
عقبی به لطف تو سرشار لطف باد
دنیا به یمن تو غرق امید گشت
موسی به عهد جنابت قدیم بود
انفاس عیسی مریم جدید گشت
ساقی نزول دعا را شروع کرد
خورشید هشتم عالم طلوع کرد
ای جان فدای جمالت ابوالحسن
هستی میانه‌ی خالت ابوالحسن
مشهد به شهد شهودت مبارک است
گنبد به یمن وصال، ابوالحسن
کاشف به جلوه‌ی رویت گمان نبرد
قربان نقش خیالت ابوالحسن
خورشید و ماه و ستاره نمایشی است
از ابروان هلالیت ابوالحسن
جان‌ها به راه تو دادند عاشقان
خون‌ها همواره حلالیت ابوالحسن

حافظ به رسم ارادت نوشته است
شعری ز بابت فالت ابوالحسن
«دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی
شاهها میان طلا گوهر آمدی
ماییم و شعر و هزار اشتیاق و آه
در عصر صنعت و بیداد و کوره‌راه
شب‌ها غمین و سحرها شکسته‌ایم
شب‌ها گناه و سپس روزها گناه
در بین ظلمت و غفلت رها شدیم
لیکن همواره رثوف است پادشاه
آهو زیارتت آمد که مُشک یافت
ای سایه‌بان رعایای بی‌پناه
ای از سلاله‌ی یاسین و آسمان
ای مثل روی سپیدت هلال ماه
ای امن مطلق حصنی به شرط تو
ای ذکر وحدت از بعد لا اله
نورت جمال رخ هفت کشور است
زیبا زیاد و رُخت چیز دیگر است
آهو نبودم و ضامن ندیده‌ام
تنها ترانه‌ی لطفت شنیده‌ام
گفتمی به غیر خدا نیست خالقی
گفتم که غیر تو راهی ندیده‌ام
آینه خالق و آیین او تویی
آری، ز غیر مسیرت بریده‌ام
از توده‌های دروغین جدا شدم
تا درب خانه‌ی گرمت رسیده‌ام
قلبم هوای حرم کرد سرورم
چیزی شبیه حریمت ندیده‌ام
گفتم انیس نفوسم تویی و بس
گفتم به گریه نشاندی دو دیده‌ام
گفتمی ندیده کسی نور ذات را
من شرط هشتم نورم، پدیده‌ام
شب‌ها کبوتر پیرم به یاد تو
شب‌ها به باب حرم در چکیده‌ام
هر شب به سوی تو آمد روان من
هر دم ز عاشقت این را شنیده‌ام
آنها که یاور و ضامن نداشتند
غیر از تو ای مه‌ثامن نداشتند...





بررسی تأثیر اعجاز زبانی آرایه‌های ادبی در درک و القای مفاهیم آیات سوره الرحمن



فرشته محمدپور، دکتری زبان‌شناسی دانشگاه شیراز
فهیمه محمدپور، دکتری روانشناسی دانشگاه شیراز



چکیده

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز زبانی قرآن، موسیقی دلنشین آن است که یکی از مؤلفه‌های آن، القای معانی دینی می‌باشد. امروزه پیشرفت دانش زبان‌شناسی و نیز نوآندیشی دینی، مباحث نوینی را در زمینه علوم قرآنی ایجاد کرده است که در آن میان می‌توان کشف زبان قرآن را یکی از مهم‌ترین مبانی فهم قرآن کریم معرفی کرد. پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی تأثیر اعجاز زبانی انواع آرایه‌های ادبی در درک و القای مفاهیم آیات سوره الرحمن از دیدگاه علم زبان‌شناسی بپردازد. روش به کار رفته در این پژوهش، کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل از بررسی داده‌های مورد نظر نشان می‌دهد که عناصر زیبایی‌شناسی و مؤلفه‌های موسیقایی در سوره الرحمن این موضوع را روشن می‌کند که از طرفی، تناسب لفظی و محتوایی حاکم و موسیقی آرام و زیبای سوره، حاصل آرایه‌های ادبی است و از طرفی دیگر، تمامی مؤلفه‌های آوایی با سبکی منحصر به فرد، اهداف سوره را به تصویر

کشیده‌اند؛ به این ترتیب، مخاطبان در میان انبوه تصاویر که به نعمت‌های دنیوی و اخروی می‌پردازند، اهداف سوره را درمی‌یابند. کلیدواژه‌ها: سوره الرحمن، اعجاز زبانی، آرایه‌های ادبی، زیبایی‌شناسی، موسیقی کلام.

مقدمه

زبان یک ابزار طبیعی است که امکان برقراری ارتباط را برای بشر فراهم نموده است و همچنین با قوانین خاص خودش و یک ساختار اجتماعی که بوسیله اصوات شکل می‌گیرد، باعث توسعه و گسترش زندگانی انسان‌ها شده است و برای بیان افکار، احساسات و آرزوهای افراد به کار می‌رود (آکسان، ۲۰۰۳: ۵۵). زبان یک ساختار شگفت‌انگیز است که وجود و توسعه‌اش در درون قوانین خاص خودش حمایت می‌شود (ارگین، ۲۰۰۲: ۱۳). امروزه پیشرفت دانش زبان‌شناسی و نیز نوآندیشی دینی، مباحث نوینی را در زمینه علوم قرآنی ایجاد کرده است که در آن میان می‌توان کشف زبان قرآن را یکی



از مهم‌ترین مبانی فهم قرآن کریم معرفی کرد (غضنفری و پورخلیلی، ۱۳۹۶: ۹۴). اعجاز بیانی قرآن، سرآغاز ظهور علوم فراوانی است. «یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های فهم متون دینی، امکان معناداری و معنایابی گزاره‌های آن است» (ساجدی، ۱۳۸۵: ۳۵). آیات تحدی در قرآن کریم، تمام انسان‌ها و جنیان را به مبارزه طلبیده است. یکی از موارد تحدی قرآن، مسأله فصاحت و بلاغت آن است؛ زیرا قرآن زمانی نازل شد که اعراب در باب فصاحت و بلاغت به اوج کمال رسیده بود، در چنین فضایی بود که آیات قرآن به پیامبر (ص) نازل شد و مردم عرب را با آن قدرت فصاحت و بلاغتی که داشتند، به تحدی با قرآن دعوت کرد. زیبایی و رسایی و شیوایی آیات به حدی اعجاب‌آور است که تمام شاعران و سخنوران و ادیبان را به بهت واداشت و آنها مجبور شدند به ناتوانایی خود در مقابل قرآن اعتراف کنند. ویژگی‌های ادبی قرآن همانند دیگر جنبه‌های محتوایی قرآن، جایگاه والا و ارزشمندی دارد که در نظر گرفتن آن در کنار دیگر حوزه‌ها، اثرگذاری معانی قرآن و جنبه‌های اعجاز آن را دو چندان نموده است (هرامی و اصغری باقوت، ۱۳۹۶: ۳۳). تعابیر قرآن کریم اعم از حروف و کلمات و اعراب، جایگاه خاصی دارد، به طوری که اگر هر تعبیری از تعابیر قرآن بخواهد جایگزین با تعبیر مشابه آن شود و یا حذف گردد، فصاحت و بلاغت آن دچار خدشه می‌شود، لذا امتیاز قرآن بر دیگر کتب در این است که هر کلمه و عبارتی در جای خودش واقع شده است. از دیگر لطائف قرآن گزینش الفاظ مناسب، روانی و بلاغت آن‌ها است که تلفظ قرآن را روان می‌کند. قرآن اسلوب ویژه‌ای دارد که نه نثر است و نه شعر، ضمن آن که تمام محاسن شعر و نثر را دارا است. قرآن دارای تمام ویژگی‌های ادبی است که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

قرآن کریم معجزه جاودان الهی و یک اثر بدیع و خارق‌العاده است که دارای مفاهیم و معانی عظیم

اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، علمی، اعتقادی و... است. این کتاب به عنوان آخرین حجت مکتوب الهی و راهنمای انسان‌ها، دارای ابعاد وسیع معنوی و روحانی است که آن را نسبت به کتب آسمانی دیگر متفاوت ساخته است و بنابر دلایل عقلی و منطقی؛ از نظر لفظ، معنی، فصاحت و بلاغت، دارای عالی‌ترین و کامل‌ترین مضامین می‌باشد (سلطان‌پناه، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

برخی از ویژگی‌های اعجاز بیانی قرآن به این شرح است:

۱. فصیح بودن الفاظ و وافی بودن کلمات برای بیان مقصود و مطابقت آن با مقتضای حال و مقام؛
۲. به کارگیری صنایع ادبی و ظرافت‌های بیانی مانند استعاره، تمثیل، کنایه، ارداف، طباق و؛
۳. فراگیری واژه‌ها و محدود نبودن ظرفیت آن؛



۴. هماهنگی الفاظ و معانی، و آهنگ واژه‌ها با معانی آن؛
 ۵. رعایت ادب و عفت در گزینش واژه‌ها؛
 ۶. دقت در انتخاب و بیان کلمات و ترسیم صحنه‌های حساس به گونه بسیار جالب و شیوا؛
 ۷. حکمت‌آموز بودن گزینش واژه‌ها و تقابل آن.
- زبان قرآن، مجهز به دانش گسترده و کهنی به نام علم معانی است که با دستاوردهای جدید علم زبان‌شناسی همخوانی و سازگاری دارد. دستاوردهای جدید علم زبان‌شناسی در حوزه‌های مختلف معنایی و آوایی به عنوان یک ابزار کارآمد در تفسیر قرآن می‌تواند کاربرد داشته باشد و برای گره‌گشایی و روشن‌گری هر چه بیشتر مفاهیم و معانی قرآنی مطرح شود (قامتی، ۱۳۹۲: ۲).

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن که اخیراً بیشتر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، نظم آهنگ واژگانی آن می‌باشد. این جنبه از اعجاز از چنان اهمیتی برخوردار است که اعراب را از همان ابتدا بر آن داشت اقرار کنند که کلام قرآن از توانایی بشر خارج است و تنها می‌تواند سخن خداوند باشد (صبورزاده، ۱۳۸۸: ۱۵). اعجاز بیانی، بیشتر برای جنبه‌های لفظی عبارات به کار رفته و ظرافت‌ها و نکته‌های بلاغی را مد نظر دارد (همان: ۱۹). دانشمندان علوم قرآنی پیشین، در بیان اعجاز قرآن، نظریه‌ها و آراء گوناگونی را برگزیده‌اند ولی اعجاز بیانی قرآن هرگز مورد نزاع و جدل قرار نگرفته است (بنت‌الشاطی، م: صابری، ۱۳۸۲: ۷۲ و ۷۵).

خطابی در شرح اعجاز می‌گوید: «قرآن بدان سبب معجزه شده که زیباترین الفاظ را در شایسته‌ترین ساختار و ترکیب و دربردارنده بهترین مفاهیم آورده است» (همان: ۸۶). اعجاز نظم آهنگ، در حقیقت ناظر به بیانات قرآنی است و بر همین اساس این وجه از اعجاز، زیرمجموعه اعجاز بیانی شمرده می‌شود، از این رو، اولاً اعجاز در نظم آهنگ می‌تواند مشمول تحدی قرآن کریم باشد و ثانیاً همه آنان که اعجاز در فصاحت، نظم و حتی بلاغت قرآن را مطرح کرده‌اند، به صورت غیر صریح و غیر مستقیم به همین وجه از اعجاز نیز نظر داشته‌اند و بیشتر یا همه شرایطی را که دانشمندان بلاغت برای فصاحت کلمه و کلام بیان کرده‌اند، همچون عدم تنافر حروف، سنگین نبودن کلمه بر زبان، عدم کراهت در سمع و عدم غرابت در کلمه و همچنین عدم تنافر کلمات، سنگین نبودن بر زبان، عاری بودن از اضافات پیاپی، عدم تعقید لفظی و معنوی در کلام، زمینه‌ساز تولید آهنگی زیباتر می‌شود. فصاحت اعجاز‌آمیز قرآن کریم می‌تواند موسیقی و آهنگی در حد اعجاز را پدید آورد. نظم قرآن نیز همین نسبت را با موسیقی و آهنگ قرآن دارد؛ به این معنا که چینش حروف و کلمات متناسب



در کنار هم و در نظر گرفتن تناسب صفات حروف و پیام مورد نظر، نیز گزینش واژگان متناسب، تقدیم و تأخیرها در کلام و غیره زمینه‌ساز آهنگی قوی‌تر و فوق‌العاده برای متن است.

یکی از پرفضیلت‌ترین سوره‌های مبارک قرآن کریم سوره الرحمن است که نام دیگر آن «آلاء» و لقبش عروس قرآن است. این سوره پنجاه و پنجمین سوره قرآن است و ۷۸ آیه دارد. این سوره دارای فضیلت‌های بسیاری است. با توجه به توضیحات داده شده و اهمیت ویژگی‌های ادبی در اثرگذاری معانی و مفاهیم قرآنی و نیز دلنشینی آیات قرآن کریم در جان و دل‌های انسان‌ها، بررسی آرایه‌ها و ظرافت‌های ادبی به کار رفته در آیات سوره الرحمن دارای اهمیت است. همچنین، سوره الرحمن از جمله سوره‌هایی است که روایت‌گری میان خداوند، انسان و بهشت و جهنم را به خوبی نشان داده است؛ بنابراین برای پاسخگویی به چگونگی ارائه هنری واقعیت‌ها در این سوره، بررسی دقیق سوره الرحمن و استخراج زیبایی‌های بلاغی از جمله بیان و بدیع و عناصر تصویرآفرینی موجود در آن، ضروری می‌باشد. با توجه به توضیحات داده شده، هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر اعجاز زبانی انواع آرایه‌های ادبی در درک و القای مفاهیم آیات سوره الرحمن از دیدگاه علم زبان‌شناسی است. پژوهش حاضر، با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به این پدیده زبانی در متن قرآن کریم می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در زمان معاصر برای نخستین بار اعجاز بیانی قرآن کریم را مصطفی صادق رافعی در کتاب اعجاز القرآن والبالغة النبویه، منتشر شده، به سال ۱۳۳۲ ق. مطرح کرده است. رافعی با ارائه نظریه اعجاز در نظم موسیقی قرآن به بررسی تأثیر ترتیل قرآن بر شنونده و اصوات و آواهای هریک از مخارج حروف و فواصل پایانی آیات پرداخت و با طرح اعتدال در موسیقی قرآن نسبت به تأثیر بر روح و روان مخاطب، در عین تهی‌بودن از حشو و زواید در الفاظ

آن، بر هماهنگی میان الفاظ و معانی قرآن نیز تأکید کرد. هماهنگی میان الفاظ و معانی مستلزم آن است که الفاظ قرآن از چینش بسیار دقیق و پیچیده‌ای برخوردار باشد که در عین حالی که به نظر می‌رسد واژگان گاه برای تنظیم آهنگ آیه به کار گرفته شده یا از جایگاه اصلی خود تغییر یافته (تقدیم و تأخیر)، در همین حال از نظر معنایی نیز از نقش حساب شده‌ای برخوردار است. زبان‌شناسان از دیدگاه‌های متفاوت به بررسی آیات قرآنی پرداخته‌اند. از جمله در حوزه معناشناسی و بررسی وجوب اعجاز بیانی در قرآن، پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند تا روش‌های دریافت متفاوت و عمیق‌تر از متون را به عرصه ظهور درآورند و در این راستا به حق گام‌هایی روشنگرانه برداشته‌اند. در زیر تعدادی از آن‌ها آورده شده است.

رحیم‌لو و طیب‌حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی، آرایه مشاکله و نقش شناخت آن در تفسیر قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که مفسر آشنا با این شیوه ادبی، به مدلول ظاهری واژگان بسنده نکرده و در دام خطای در تفسیر نیفتاده است و از این جهت، در پی آشکارسازی انگیزه گزینش واژگان می‌رود. افزون بر آن، نتایج نشان می‌دهند که نمایان‌سازی لحن تهکمی متن و پیش‌آوری برداشتی رسا و گیرا بر پایه همگونی، از دیگر کارکردهای شناخت آرایه مشاکله است. کوچک‌نیت و همکاران (۱۳۹۸) انسجام‌آفرینی و کارکردهای بلاغی جانشین‌های اشاره‌ای در سوره «حج» و ترجمه‌های آن از فولادوند، خرمشاهی و محدث‌دهلوی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که اسم‌های اشاره در قرآن کریم، به دلیل ظرفیت بالای معنایی و بلاغی که دارند، به صورت‌های مختلف جانشینی به نمایش درآمده‌اند و از این جهت، نقش بسزایی در انسجام و پیوستگی متنی آیات قرآنی ایفا می‌کنند؛ همچنین با در هم شکستن ساختار دستوری متون، علاوه بر برجستگی، پویایی، اختصار و نیز ایجاد ابهام هنری، با گستره معنایی خود، نوعی

نظم خطی و شبکه‌ای ایجاد کرده‌اند. همچنین نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که ترجمه فولادوند تا حدودی، با تصریح معنا و رعایت نکات بلاغی، تعادل انسجامی را برقرار نموده است و محدث‌دهلوی نیز به فراخور ترجمه تحت‌اللفظی، تا حدودی با تصریح و روشن‌نگری در متن مقصد، انسجام برقرار کرده است؛ ولی ترجمه خرمشاهی با وجود ادبی‌بودن، از تصریح معنا و ظرافت‌های بلاغی اسامی اشاره غافل بوده است که همین مسأله موجب شده تا ترجمه وی از صراحت انسجامی لازم برخوردار نباشد. مولایی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) آرایه تشخیص را در آیات قرآنی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که در آیات متعدد برای تفهیم مفاهیم به مخاطبین به انحاء گوناگون به اشیاء، شخصیت انسانی داده شده که در این زمینه، فرهنگ اعراب و تجربیات آنان از محیط زندگی‌شان به زیبایی نمایان شده است؛ همچنین، تشبیهات، استعارات و مجازهای رایج میان اعراب نیز در آیات کریمه قرآنی به خوبی نشان داده شده است و نکته مهم آن که تشخیص‌های به کار رفته در آن، دارای ویژگی فرا زمانی و فرامکانی است که این خود یکی از اسباب اعجاز قرآن می‌باشد. رحیمیان و محمدپور (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه معنایی با ویژگی‌های آوایی و میزان بسامد همخوان‌ها در القای مفاهیم آیات قرآنی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که همخوان‌های انسدادی در بیان مفهوم معاد بیش‌ترین میزان بسامد و همخوان‌های سایشی بیش‌ترین میزان بسامد در بیان مفاهیم اخلاقی را دارا می‌باشند. رنجبر و میرزانی (۱۳۹۷) به بررسی سبک‌شناسی و ویژگی‌های آوایی سوره قمر پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از بررسی‌های آن‌ها نشان می‌دهد که عناصر بوجود آورنده موسیقی درونی و بیرونی آیات این سوره از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. همچنین، ساختار منسجم موسیقایی همه جانبه اعم از نوع حروف و



کلمات به کار رفته در هر آیه، چینش حروف و کلمات، قافیه و نظام فواصل آیات و نیز هماهنگی میان مصوت‌ها و صامت‌ها به گونه‌ای است که موسیقی حاصل از ویژگی‌های حروف و همچنین پیوند منسجم میان آن‌ها بر اساس مفهوم و معنای آیات به تصویر کشیده شده است. سلیمی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی توسیع و استعاره در روند تحول معنایی واژگان آیات قرآنی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که معنای تحول یافته دارای ارتباط تنگاتنگ با معنای اصلی است و به عبارت دیگر با بکارگیری روش‌ها و فرآیندهایی همچون استعاره، در برگرفتن معنای مجرد به جای محسوس، توسیع و تنزیل معنایی واژگان، معانی، دلالتی جدید در برگرفته که مبتنی بر همان معنای قدیمی و اصلی خود هستند. معین و همکاران (۱۳۹۷) زیباشناسی آرایه‌های ادبی سوره قمر را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که این سوره همانند دیگر سوره‌های قرآن کریم، از نوعی زیبایی ادبی بسیار شگفت، برخوردار است. تصویر کلی سوره قمر، فرجام تکذیب‌کنندگان را در چند مرحله به نمایش می‌گذارد، که در این بین آرایه‌های ادبی - بلاغی در نقش بازیگران و نظم آهنگ بسیار دقیق سوره به عنوان موسیقی متن، نمایش هنرمندانه‌ای از درون‌مایه سوره قمر که بیشتر انذار و هشدار برای تکذیب‌کنندگان است، به مخاطب نشان می‌دهد. همچنین،

پیوند ادبی - معنایی سوره قمر، با سوره قبل از خود یعنی سوره «نجم» و سوره پس از آن «الرحمن» نیز بر زیبایی آن افزوده است. گرجامی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی مؤلفه‌های موسیقایی در سوره «الحاقه» پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم که تجلی‌گاه کلام الهی است، افزون بر معانی و محتوای ژرف، سرشار از زیبایی‌های موسیقایی فراوان است، به گونه‌ای که ساختار تمام اجزا و عناصر موسیقایی آن متناسب با یکدیگر و هماهنگ با محتوا و اغراض متن قرآنی به کار گرفته شده است و نیز در القای هر چه بیشتر معانی و مفاهیم آیات سهیم می‌باشد. برهانی (۱۳۹۵)، به بررسی تجمع و تكثر احتمالات و قرائن لفظی و بیانی از منظر نظریه احتمالات و مدل‌های تصادفی، به وجوه مختلف اعجاز‌های قطعی یا ادعایی قرآن می‌پردازد. خسروی و همکاران (۱۳۹۵)، نقش اعجازگونه آواها در القای معنای مورد نظر در سوره مزمل را بررسی کرده‌اند و برای نیل به این هدف، به تقسیم‌بندی صفات آواها به جهر، همس، شدت، رخوت و... پرداخته‌اند و بکارگیری هر

کدام از آواها را در القای معنای مورد نظر، مورد کندوکاو قرار داده‌اند و در نهایت به این نتیجه دست پیدا می‌کنند که آواها در تصویرگری مفاهیم به کار رفته در سوره مزمل سهمی بسزا دارد. این بررسی به صورت موردی صرفاً به بررسی سوره مزمل پرداخته است. نظیری-سنجانی و همکاران (۱۳۹۵)، با بررسی نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم به بررسی برجسته‌سازی و بیان فراهنجارهای متون، از جمله حذف، التفات، تقدیم و تأخیر و... پرداخته‌اند و سعی داشته‌اند که از این طریق راهی برای فهم عمیق آیات قرآن بیابند. عباسی مقدم و مسعودی‌نیا (۱۳۹۵)، در بررسی رابطه میان الفاظ و معانی قرآن کریم، علاوه بر اشاره به ابعاد اعجاز قرآن از لحاظ محتوا و ظاهر آیات، نظم آهنگ را به عنوان یکی از ابعاد اعجاز بلاغی می‌شناساند و ابعاد و نمونه‌هایی از شاخه‌های متعدد موسیقی درونی و بیرونی قرآن را واکاوی می‌کنند.

سلیمی و شفیع‌پور بروجنی (۱۳۹۵)، به بررسی حذف و فزونی واج‌ها در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی آوایی می‌پردازند و در این راستا اثبات می‌کنند که حوزه معنایی با ساختار آوایی زبان رابطه دارد و زبان قرآن از اعجاز ویژه‌ای برخوردار است و همچنین بیان می‌کنند که مهم‌ترین معانی حذف واج‌ها در عبارات قرآن را می‌توان با توجه به کاسته شدن ساختار واژه با معنای فراوضعی همچون سبکی، کوچکی، کاستی، آسانی، سرعت و نزدیکی امر متناسب دانست. گرجامی و

همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی کاربرد روش موسیقایی در قرآن، استفاده از روش تقابل در ساختار موسیقایی و وجود همخوانی میان صورت و محتوای واژگان همگن در قرآن می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که هرگاه آیه‌ای حامل بشارت و لطف و رحمت الهی است، آهنگی نرم و لطیف دارد و هرگاه سخن از قیامت و وعده عذاب است، آهنگی تند و کوبنده دارد. جهانگیری و همکاران (۱۳۹۵)، در بررسی رابطه میان فراوانی واژگان تک کلمه‌ای قرآن و طول آن‌ها بر حسب حرف بر اساس قانون زیف، نشان می‌دهند که کلمات کوتاه‌تر قرآن نسبت به کلمات بلندتر دارای فراوانی بیشتری هستند. آن‌ها در بحث مورد نظر، طول واحدهای زبانی یک کلمه‌ای را از طریق شمارش تعداد حروف آن‌ها بدست آورده‌اند. ساجدی و ساجدی (۱۳۹۵) طی بررسی خود در رابطه با تعامل معناشناسی و تفسیر قرآن به قرآن، پس از پیرایش مبانی معناشناسی قومی، از دو عنصر «نسبیت زبانی» و «ترجمه‌ناپذیری»، به مباحث «روش‌شناختی»





می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که توجه به پنج جهان‌بینی قرآنی از جمله: جهان‌بینی تصدیقی در عرض معنای واژه، جهان‌بینی تصدیقی در طول معنای واژه، جهان‌بینی ترسیمی، جهان‌بینی تصویری و جهان‌بینی لفظی را باید در فهم واژگان قرآن دخیل دانست. خوش‌منش (۱۳۹۴)، با بررسی نظم آهنگ هجده سوره قرآن کریم، بیان می‌کند که ائتلاف لفظ، ریشه در ساخت انواع زبان‌ها و فطرت بشری دارد. همچنین پس از بررسی به این نتیجه می‌رسد که میان حروف و میزان کیفیت نیرویی که در این زمینه آزاد و تولید می‌شود و معنای برآمده از حروف، تناسب و ارتباطات قابل توجهی وجود دارد. وی در این بررسی حروف پایانی آیات سوره را مد نظر قرار داده است. به عنوان نمونه، مشخص کرده است که در سوره الفاتحه، از ابتدا تا اواسط سوره، ترتیب حروف /م، ن، م/ و از انتها به سمت میانه سوره /ن، م، ن/ است. شریعتی و سعیدی‌روشن (۱۳۹۳)، به بررسی رابطه دو رویکرد معناشناسی زبانی و تفسیر قرآن به قرآن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته‌اند. در این بررسی، آن‌ها به توصیف نقاط مشترک این دو رویکرد می‌پردازند و نقش معناشناسی زبانی را در فرآیند تفسیر قرآن به قرآن به اختصار بررسی می‌کنند و در نهایت به این نتیجه دست می‌یابند که معناشناسی می‌تواند نقش مکمل و سازنده‌ای در قاعده‌مندی و مقوله‌بندی واژگان قرآن، اثبات نظام‌مندی معارف قرآن و مهار روشمند پیش‌دانسته‌ها در تفسیر قرآن به قرآن داشته باشد. رمضان‌زاده و توحیدی‌شکیب (۱۳۹۲)، در بررسی رابطه میان لفظ و معنا با نگاهی موردی به برخی شواهد قرآنی، به رابطه تصویرگری مفاهیم خوب و بد با استفاده از آواها و آهنگ‌های متناسب با مفاهیم پرداخته‌اند و در نهایت، نتیجه‌گیری این می‌شود که رابطه تنگاتنگ بین آهنگ و نغمات آیات الهی با مفاهیم وجود دارد. در این راستا، آرایه‌های ادبی از جمله: سجع، طنین حروف و تکرار همخوان‌ها مدنظر بوده است.

قامتی (۱۳۹۲)، در بیست سوره قرآنی به بررسی ساختار واجی و تحلیل معنایی سوره‌های قرآنی در قالب نظریه سیستمی-نقشی هیلدی می‌پردازد. تأکید وی در این پژوهش بیشتر مبتنی بر رابطه ساختار هجایی و آوایی با القای معانی سوره‌ها می‌باشد. پس از بررسی‌های انجام شده یکی از نتایج پژوهش این است که ویژگی‌های موسیقایی قرآن، مستقل از معنای آن عمل نمی‌کند و در حقیقت ابزاری است در خدمت انتقال پیام گوینده به مخاطب. عبدالروف (۱۳۹۰)، به بحث پیرامون ویژگی‌های زبانی مانند: التفات در زمان و حالت فعل، التفات در حروف ربط، تغییرات نحوی، تفاوت سبکی، ویژگی‌های بافتی و هم‌متنی، شبکه پیوسته و تغییر سبک، تفاوت گفتمان و موضوع، و الگوهای سبکی می‌پردازد. قراگزلو (۱۳۸۴) به بررسی الگوهای آوایی قرآن مجید در ارتباط با معناشناسی بر اساس قواعد تجوید مؤثر در معنای قرآن از جمله «وقف» پرداخته است و از بررسی فوق، به این نتیجه رسیده که قواعد تجوید علاوه بر زیبایی‌شناسی، می‌تواند بر معنای کلام الهی مؤثر واقع شود. سلطان‌پناه (۱۳۸۲) در بحث پیرامون تناسب صوت با معنا، بیان می‌کند که صوت در صورتی قدرت تحریک و تهییج در اذهان و افکار را دارد که با لحنی خاص ترکیب شود و این لحن، در حد ابتدایی خود، تغییر گام‌های صوتی است و نیز ضرب‌هایی که با توجه به معنا، به حروف و کلمات وارد می‌آید. بنت‌الشاطی (۱۳۸۲)، یکی از ضوابط منهج تفسیر بیانی را ضرورت تفسیر قرآن به صورت موضوعی با استقصای همه آیات مربوط به موضوع می‌داند.

یافته‌ها

شکرگزاری خداوند و توجه به نعمات دنیایی و اخروی از مهمترین مفاهیم الهی است که بسیاری از مباحث و مسائل دین از آن سرچشمه می‌گیرد. از این جهت تشریح علمی آیات سوره الرحمن به عنوان مهمترین سوره‌ای که به این مهم توجه کرده است از منظر زیبایی‌شناسی و تصویرآفرینی و تفکیک عناصر آن می‌تواند در زمینه‌های



اخلاقی و تربیتی بسیار مؤثر باشد. در ادامه انواع آرایه‌های ادبی در آیات سوره مبارکه الرحمن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واج آرای: به تکرار یک واج صامت یا مصوت در یک بیت یا عبارت گفته می‌شود به گونه‌ای که طنین آن در گوش بر جای بماند و باعث پیدایش موسیقی آوایی در آن بخش از سخن شود. به عنوان مثال، در آیات زیر هجای «an» در پایان همه آیات تکرار شده است.

- مثال: الرَّحْمَنُ ﴿١﴾
- عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾
- خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾
- عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾

سجع: سجع در لغت به معنای آواز کبوتر است. در ادبیات هر گاه واژه‌های پایانی دو قرینه کلام در واج یا واج‌های آخر مشترک باشند، آرایه سجع پدید می‌آید و آن دو جمله را مسجع می‌خوانند. معمولاً هر قرینه از یک جمله تشکیل می‌شود. اما گاهی نیز یک قرینه از دو یا چند جمله کوتاه پدید آمده است. همچنین در اغلب نمونه‌های نثر مسجع واژه‌های پایانی دو جمله در بیش از یک حرف مشترکند و در واقع هم قافیه می‌باشند.

- مثال ۱: فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ ﴿٧٠﴾
- فَبَأَى الْأَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾
- مثال ۲: فِيهِمَا عَنبَانٌ نُضَاحَتَانِ ﴿٦٦﴾
- فَبَأَى الْأَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

تشبیه: در تشبیه دو مورد پر پایه اشتراکی که در صفتی دارند به هم مانند می‌شوند مورد اصلی

را مشبه و موردی که مشبه به آن تشبیه می‌شود مشبه به می‌نامند. صفت مشترک میان مشبه و مشبه به دلیل شباهت یا وجه شبه نامیده می‌شود. یا گاهی از واژه‌های از قبیل «مثل»، «مانند»...

استفاده می‌شود. که به آنها ادات تشبیه گویند.

- مثال ۱: «وَلَوْ أَنَّ الْجِبُورَ الْمُنْشَأَتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ» ﴿٢٤﴾

«كالأعلام» به معنی «مثل کوه‌ها» می‌باشد

که در این آیه کشتی‌های روان در دریا، به کوه‌هایی در خشکی تشبیه شده است که تشبیه مرسل است.

- مثال ۲: «فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» ﴿٣٧﴾

«كالدّهان» به معنی «چون چرم» است. در این آیه به یک مورد از وقایع قیامت اشاره شده است؛ زمانی که آسمان به اذن و اراده الهی شکافته می‌شود و به رنگ‌های مختلفی در می‌آید.

کنایه: جملات و عباراتی که منظور نویسنده یا گوینده از بیان آن‌ها چیزی غیر از معنای ظاهری و لفظی آن

عبارات یا جملات است.

- مثال ۱: «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» ﴿٦﴾

علامه مجلسی در «بحارالانوار» از علی بن ابراهیم قمی چنین نقل کرده است که «نجم» رسول خدا(ص) است و خداوند در جای دیگر قرآن(سوره نحل آیه ۱۶) نیز به ایشان لقب نجم داده است.

- مثال ۲: «فَبَأَى الْأَاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ» ﴿١٣﴾

این آیه در ظاهر خطاب به جن و انس است ولی در باطن مراد، آن دو نفر (غاصبان خلافت) هستند (بحارالانوار، ج ۲۴).

استعاره: هر گاه واژه‌ای به دلیل شباهتی که با واژه دیگر دارد به جای آن به کار رود، آرایه استعاره پدید می‌آید.

- مثال ۱: «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» ﴿٦﴾

در این آیه آرایه استعاره به کار رفته است. آنجا که خضوع گیاه و درخت به خداوند، به خضوع سجدکننده به خالق و بزرگداشت او، بنابر اقتضای طبیعتشان، تشبیه شده است.

- مثال ۲: «وَوَيْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» ﴿٢٧﴾

در این آیه استعاره وجود دارد و مراد و مفهوم این آیه، باقی ماندن ذات پروردگار و حقیقت آن می‌باشد. اگر معنای کلام خداوند حمل بر ظاهر الفاظ بشود، واقعیت کلام پوشانده می‌شود و این در حالی است

که خداوند مثل و مانندی ندارد و همانا ذات احدیت باقی می‌ماند و سایرین فنا می‌شوند و خداوند بزرگترین و بالاترین است.

ایهام: هر گاه واژه یا ترکیبی که دارای دو معنی است به گونه‌ای در کلام به کار رود که هر دو معنا از آن قابل برداشت باشد آرایه ایهام شکل می‌گیرد. گاهی منظور اصلی تنها یکی از آن دو معنا است و گاهی هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.

- مثال ۱: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ يَلْتَقِيَانِ» ﴿١٩﴾

- مثال ۲: «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْزُ وَالْمَرْجَانُ» ﴿٢٢﴾

علامه مجلسی در «بحارالانوار جلد ۲۴» از کتاب «کنز الفوائد» از پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» روایت کرده است که آن دو بحر علی و فاطمه علیهما السلام هستند که هر یک دریایی از علم هستند و یکی بر دیگری خروج نمی‌کند و «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْزُ وَالْمَرْجَانُ» حسن و حسین علیهما السلام هستند. مثل: هر گاه در سخن از «ضرب المثلی» استفاده شود و یا بخشی از کلام آنقدر معروف باشد که به عنوان ضرب المثلی به کار رود، آن بخش از کلام دارای آرایه مثل است.

- مثال ۱: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» ﴿٦٠﴾



مگر پاداشی احسان جز احسان است (۶۰)

مثال ۲: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿۲۶﴾

هر چه بر [زمین] است فانی شونده است (۲۶)

مراعات نظیر: آوردن دو یا چند واژه در کلام یا عبارت که در خارج از آن کلام یا عبارت نیز رابطه‌ای آشنا و خاص میان آن‌ها برقرار باشد.

مثال ۱: فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿۶۸﴾

در آن دو میوه و خرما و انار است (۶۸)

مثال ۲: كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿۵۸﴾

گویی که آنها یاقوت و مرجاند (۵۸)

جناس: به دو واژه هم‌جنس و یا هم‌معنی که در یک مصراع یا بیت به کار می‌رود، ارکان جناس گویند. ارزش جناس به موسیقی و آهنگی است که در سخن می‌آفریند و زیبایی جناس در گرو پیوندی است که با معنی سخن دارد.

مثال ۱: وَأَقِيمُوا الزُّنْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾

مثال ۲: رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۷﴾

تشخیص (انسان‌نمایی): هر گاه با نسبت دادن عمل، حالت یا صفتی انسانی به یک غیر انسان، به آن جلوه انسانی داده شود، آرایه تشخیص یا انسان‌نمایی شکل می‌گیرد.

مثال ۱: وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ ﴿۶﴾

در این قسمت از آیه از فعل «يَسْجُدَانِ» استفاده شده است که برای موجود زنده به کار می‌رود. در این آیه

آرایه تشخیص وجود دارد؛ چرا که «النَّجْمِ» و «الشَّجَرِ» همانند شخصی تصور شده‌اند که جان دارند و سجده می‌کنند.

مثال ۲: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿۱۹﴾

معنی آیه شریفه: «دو دریا را [به گونه‌ای] روان کرد

[که] با هم برخورد کنند» (۱۹)

در این آیه نیز واژه «يَلْتَقِيَانِ» برای «بحر» به کار رفته است که غیرجاندار می‌باشد. بنابراین، در آیه فوق نیز از آرایه تشخیص استفاده شده است.

تضاد: هر گاه دو واژه با معنای متضاد در یک عبارت

به کار رود، آرایه تضاد پدید می‌آید.

مثال ۱: رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۷﴾

در این آیه از آرایه تضاد استفاده شده است. واژه‌های

«الْمَشْرِقَيْنِ» و «الْمَغْرِبَيْنِ» دو واژه متضاد هستند.

مثال ۲: يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتِطَعْتُمْ أَنْ

تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ

إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿۳۳﴾

در آیه نیز واژه‌های «جن» و «انسان» و نیز «آسمان»

و «زمین» با یکدیگر در تضاد هستند. همچنین دو فعل

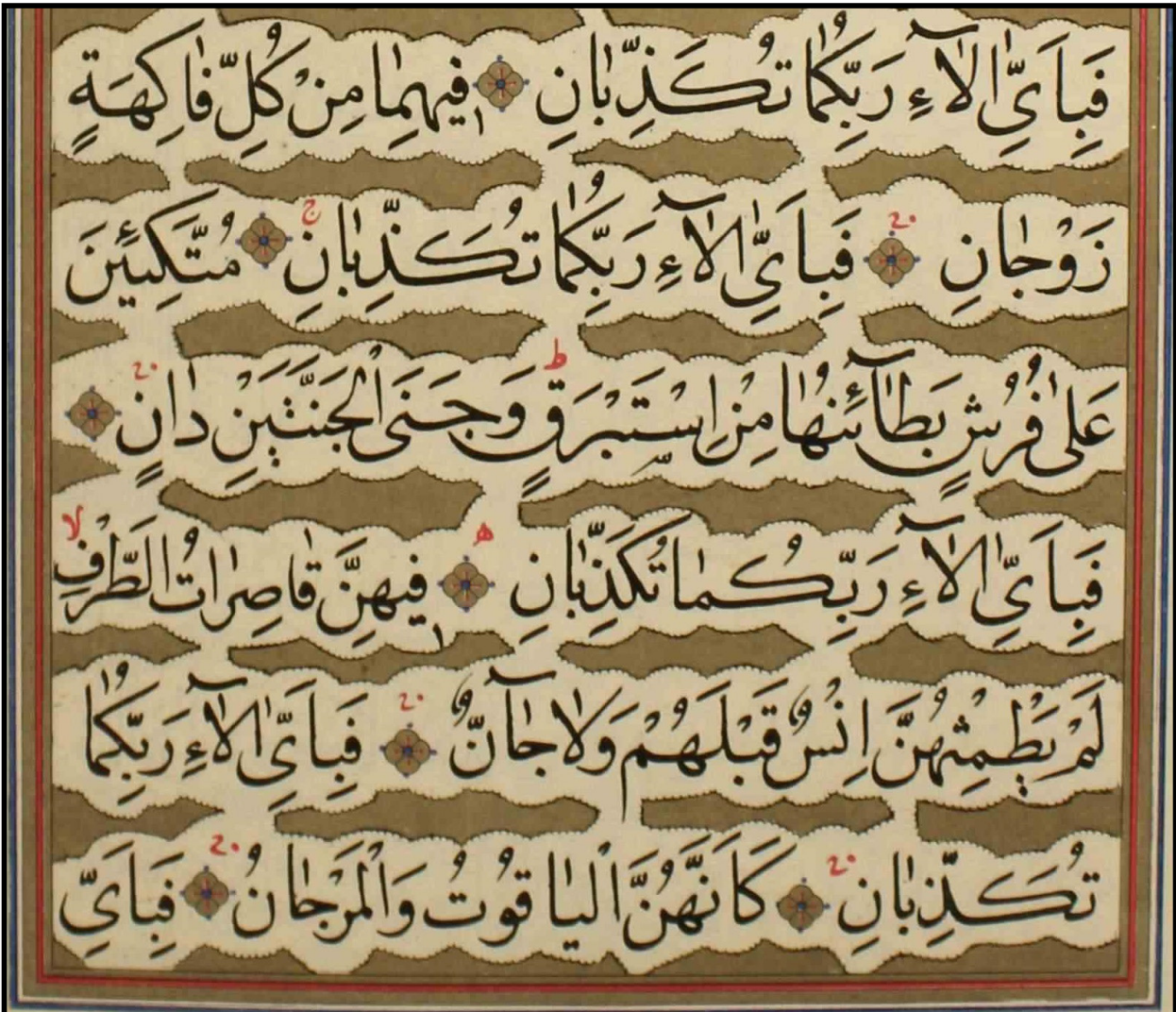
امر و نهی «تَنْفُذُوا» و «لَا تَنْفُذُونَ» نیز در تضاد با یکدیگر

به کار رفته‌اند.

تکرار: هر گاه واژه‌ای دو بار یا بیشتر در کلام بیاید به

گونه‌ای که بر موسیقی درونی بیفزاید و تأثیر سخن را

بیشتر کند، تکرار نامیده می‌شود.



مثال ۱: «وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ» (۷)
 «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ» (۸)
 «وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (۹)
 مثال ۲: هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

و شفیع پور بروجنی، ۱۳۹۵؛ گرجامی و همکاران، ۱۳۹۵؛
 توحیدی شکیب، ۱۳۹۲ و قامتی، ۱۳۹۲.

منابع

قرآن کریم. همراه با شرح آیات منتخب، انتشارات
 محراب قلم: تهران.

برهانی، مصطفی. (۱۳۹۵). اعجاز علمی قرآن ا
 منظر تجمع و تکثر احتمالات و قرائن لفظی و بیانی.
 مجموعه خلاصه مقالات سومین همایش ملی اعجاز
 قرآن کریم، دانشگاه شهیدبهبشتی: تهران، ۱۱۲.

جهانگیری، ولی؛ آزادی، محمدجواد؛ احمدی،
 محمدنبی. (۱۳۹۵). رابطه میان فراوانی واژگان تک
 کلمه‌ای قرآن و طول آنها برحسب حرف (بررسی
 قانون اول زیف) در قرآن کریم. پژوهش‌های
 زبانشناسی تطبیقی، (۱۲) ۶، ۱۴۳-۱۵۴، ۱/۰، ۲۲۰۸۴/
 RJHLL. ۲۰۱۶، ۱۷۳۲.

خسروی، کبری؛ نظری، علی؛ موسوی، لیلا. (۱۳۹۵).
 اعجاز آوایی در معنارسازی سوره مزمل. مجموعه
 خلاصه مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن
 کریم، دانشگاه شهیدبهبشتی: تهران، ۱۰۶.

خوش‌منش، ابوالفضل. (۱۳۹۴). بررسی نظم آهنگ
 هجده سوره از قرآن کریم. مطالعات فرهنگ-ارتباطات،
 (۳۰) ۱۶، ۱۸۵-۲۱۵.

رحیم‌لو، عباس و طیب حسینی، سید محمود.
 (۱۳۹۸). بازکاوی آرایه مشکله و نقش شناخت آن در
 تفسیر قرآن. فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآن، دوره ۷،
 شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۵، ۱/۰، ۲۹۲۵۲/PAQ. ۱، ۱۸۳، ۷.

رحیمیان، جلال و محمدپور، فرشته. (۱۳۹۷). بررسی
 رابطه معنایی با ویژگی‌های آوایی و میزان بسامد
 همخوان‌ها در القای مفاهیم آیات قرآنی. فصلنامه
 مطالعات قرآنی، دوره ۹، ش ۳۵، صص ۱۶۵-۱۸۳.

رمضان‌زاده، محمود؛ توحیدی شکیب، علی. (۱۳۹۲).
 بررسی ارتباط میان لفظ و معنا برپایه شاخص‌های
 آواشناختی. با نگاهی موردی به برخی شواهد قرآنی،
 نشریه علوم انسانی دانشگاه پیام نور مشهد، ۴، ۱۰۵-
 ۱۱۴.

رنجبر، جواد و میرزانی، محمدرضا. (۱۳۹۷). تحلیل
 سبک شناسی آوایی و ترکیبی سوره مبارکه قمر.
 فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۶، شماره ۴، صص
 ۱۱۷-۱۴۲، ۱/۰، ۲۹۲۵۲/PAQ. ۱، ۱۱۷، ۶، ۴.

ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). زبان دین و قرآن. مرکز
 انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
 (قدس سره): قم.

ساجدی، حامد؛ ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). تحلیلی
 تازه از تعامل معناشناسی و تفسیر قرآن به قرآن با الهام
 از دیدگاه ایزوتسو. قرآن‌شناخت، (۲) ۹، ۵-۲۶.

سلطان‌پناه، حسن. (۱۳۸۲). مبانی موسیقایی الحان
 و نغمات قرآن کریم. شرکت چاپ و انتشارات اسوه:
 قم، سازمان امور خیریه.

سلیمی، زهرا؛ میرحسینی، سید محمد؛ پاشازانوسف
 احمد و آل بویه لنگرودی، عبدالعلی. (۱۳۹۷). توسیع و
 استعاره در روند تحول معنایی واژگان قرآن کریم (با
 تأکید بر آراء علامه طباطبایی). فصلنامه پژوهش‌های
 ادبی قرآن، دوره ۶، شماره ۳، صص ۷۱-۹۵، ۱/۰، ۲۹۲۵۲/PAQ.

بحث و نتیجه‌گیری

این سوره در این مقام است که خاطر نشان سازد
 خدای تعالی، عالم و اجزای آن از قبیل زمین و آسمان
 و خشکی‌ها و دریاها و انس و جن و همه اجزای
 آن را به گونه‌ای آفریده و نظم داده است که جن و
 انس بتوانند در زندگی خود از آن بهره‌مند شوند. با
 این بیان روشن می‌شود که عالم هستی از دنیایش
 گرفته تا آخرتش نظامی واحد دارد، تمامی اجزا و
 اعضاء این عالم با اجزا و اعضاء آن عالم مرتبط
 است، و اجزای عالم هستی ارکانی قویم دارد، ارکانی
 که یکدیگر را اصلاح می‌کنند، این جزء، مایه تمامیت
 آن جزء دیگر، و آن مایه تمامیت این است. بنابراین،
 آنچه در عالم هست چه عینش و چه اثرش از نعمت‌ها
 و آرای خدای تعالی است، و به همین جهت پشت سر
 هم از خلایق می‌پرسد و با عتاب هم می‌پرسد که:
 «فبای الاء ربکما تکذبان - کدامیک از آرای پروردگارتان
 را تکذیب می‌کنید؟» و این خطاب عتاب‌آمیز در این
 سوره سی و یک مرتبه تکرار شده است. بررسی
 عناصر زیبایی‌شناسی و مؤلفه‌های موسیقایی در سوره
 الرحمن این موضوع را روشن می‌کند که از طرفی،
 تناسب لفظی و محتوایی حاکم و موسیقی آرام و زیبای
 سوره، حاصل آرایه‌های بدیع است و از طرفی، تمامی
 مؤلفه‌های آوایی با سبکی منحصر به فرد، اهداف
 سوره را به تصویر کشیده‌اند؛ به این ترتیب، مخاطب
 در میان انبوه تصاویر که به نعمت‌های دنیوی و
 اخروی می‌پردازند، اهداف سوره را درمی‌یابد. به
 طور کلی، برآیند زیبایی در سوره الرحمن با توجه
 به عناصر زیبایی‌شناسی، تحت چند عنوان قرار
 می‌گیرد که عبارت است از: الف) تناسب آوایی و
 ب) تناسب معنایی و محتوایی. گفتنی است با توجه به
 بررسی دوازده عنصر زیبایی‌شناسی در سوره الرحمن
 به طور مشترک تناسب محوری است که در زیبایی
 سوره مورد توجه بوده است و هر یک به نوعی این
 تناسب را در سوره برقرار کرده‌اند. تناسب آوایی با
 عناصری همچون واج‌آرایی، جناس، سجع و تکرار
 در سوره شکل گرفته‌اند؛ البته این عناصر علاوه بر
 زیبایی ظاهری که در متن ایجاد می‌کنند، عاملی برای
 رسیدن به عناصر زیباساز دیگری از جمله موسیقی
 هم هستند؛ زیرا صامت‌ها، مصوت‌ها و کلمات
 همسان و شبه همسان، خواسته و ناخواسته، وزن و ریتم
 سوره را شکل می‌دهند و تناسب محتوایی را عناصری
 همچون تشخیص، مثل، کنایه، تضاد، مراعات‌النظیر،
 ایهام، تشبیه و استعاره به وجود می‌آورند و اگر
 تناسب آوایی با تناسب محتوایی با هم همراه شوند،
 لحن سوره با اهداف سوره هماهنگ خواهد بود و
 در سوره الرحمن نیز این تناسبات به بهترین شکل
 وجود دارد. این نتایج، همسو با دیگر پژوهش‌هایی
 است که در حیطه اعجاز بیانی قرآن و هم‌راستا و
 نزدیک با موضوع مورد پژوهش کار کرده‌اند (سلیمی



PAQ/۱۰,۲۹۳,۷۱,۳,۶۷..

سلیمی، سیده فاطمه؛ شفیع پور بروجنی، سجاد. (۱۳۹۵). حذف و فزونی واج‌ها در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی آوایی. مجموعه خلاصه مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهیدبهشتی: تهران، ۸۱-۸۳.

شریعتی، غلام‌محمد؛ سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۹۳). رابطه معناشناسی زبانی و تفسیر قرآن به قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی. قرآن‌شناخت، ۷(۱۴)، ۵-۲۴.

صبورزاده‌فرد، محمد. (۱۳۸۸). آهنگ درونی و بیرونی قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن.

عباسی‌مقدم، مصطفی؛ مسعودی‌نیا، سمیه. (۱۳۹۵). نظم آهنگ، پلی میان الفاظ و معانی قرآن کریم. مجموعه خلاصه مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهیدبهشتی: تهران، ۱۳۹.

عبدالرحمن بنت الشافی، عایشه. (۱۳۸۲). اعجاز بیانی قرآن کریم. مترجم: صابری، حسین، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، چاپ دوم.

عبدالرؤف، حسین. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی). مترجم: آزادی، پرویز، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع): تهران.

غضنفری، علی؛ پورخلیلی، ریحانه. (۱۳۹۶). نقد و بررسی درون دینی مدعای رؤیایی بودن زبان قرآن کریم. فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هشتم، شماره ۲۹، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ۹۳-۱۱۶.

قامتی، مهرناز. (۱۳۹۲). بررسی ساختار واجی و تحلیل معنایی بیست سوره پایانی قرآن کریم در قالب نظریه سیستمی -نقشی هلیدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

قراگوزلو، مهدیا. (۱۳۸۴). بررسی الگوهای آوایی قرآن مجید (تجوید) در ارتباط با معناشناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

کوچکی‌نیت، زهرا؛ اناری، ابراهیم؛ سجادی، سید ابوالفضل و جرفی، محمد. (۱۳۹۸). کارکردهای بلاغی و انسجام‌آفرینی جانشین‌های اشاره‌ای در سوره مبارکه «حج» و ترجمه‌های آن از فولادوند. خرمشاهی و محدث‌دهلوی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی. دوره ۷،

شماره ۱، صص ۱-۳۱، PAQ/۱۰,۲۹۲,۵۲,۷,۱,۱..

گرجامی، جواد؛ رضایی هفتادری، غلامعباس؛ آزاددل، عادل و پرشور، سولماز. (۱۳۹۶). بررسی مؤلفه‌های موسیقایی سوره «الحاقه». فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، دوره ۵، شماره ۴، پیاپی ۲۰، صص ۱۲۷-۱۵۴، PAQ/۱۰,۲۹۲,۵۲,۷,۱,۱..

گرجامی، جواد؛ آزاددل، عادل، پرشور، سولماز. (۱۳۹۵). کارکرد موسیقایی واژگان ناهمگن در ایجاد معانی متفاوت (نگاه موردی: جزء ۲۹ قرآن کریم). مجموعه خلاصه مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهیدبهشتی: تهران، ۸۴-۸۶.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲). بحار الانوار. ج ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

معین، جواد؛ خرقانی، حسن و سیدی، سید حسن. (۱۳۹۷). زیباشناسی آرایه‌های ادبی قرآن کریم (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر). مطالعات ادبی متون اسلامی، سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، صص ۳۳-۶۲، doi: 10.22081/jrla.1201.190529059.1201.2019..

مولایی‌نیا، عزت‌الله؛ ناصح، علی‌احمد؛ تک‌تبار فیروزجانی، حسین؛ سلگی، علی. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل صنعت تشخیص در قرآن کریم. فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۷، شماره ۴، شماره پیاپی ۲۸، صص ۱۷۳-۱۹۹، PAQ/۱۰,۲۹۲,۵۲,۷,۱,۱..

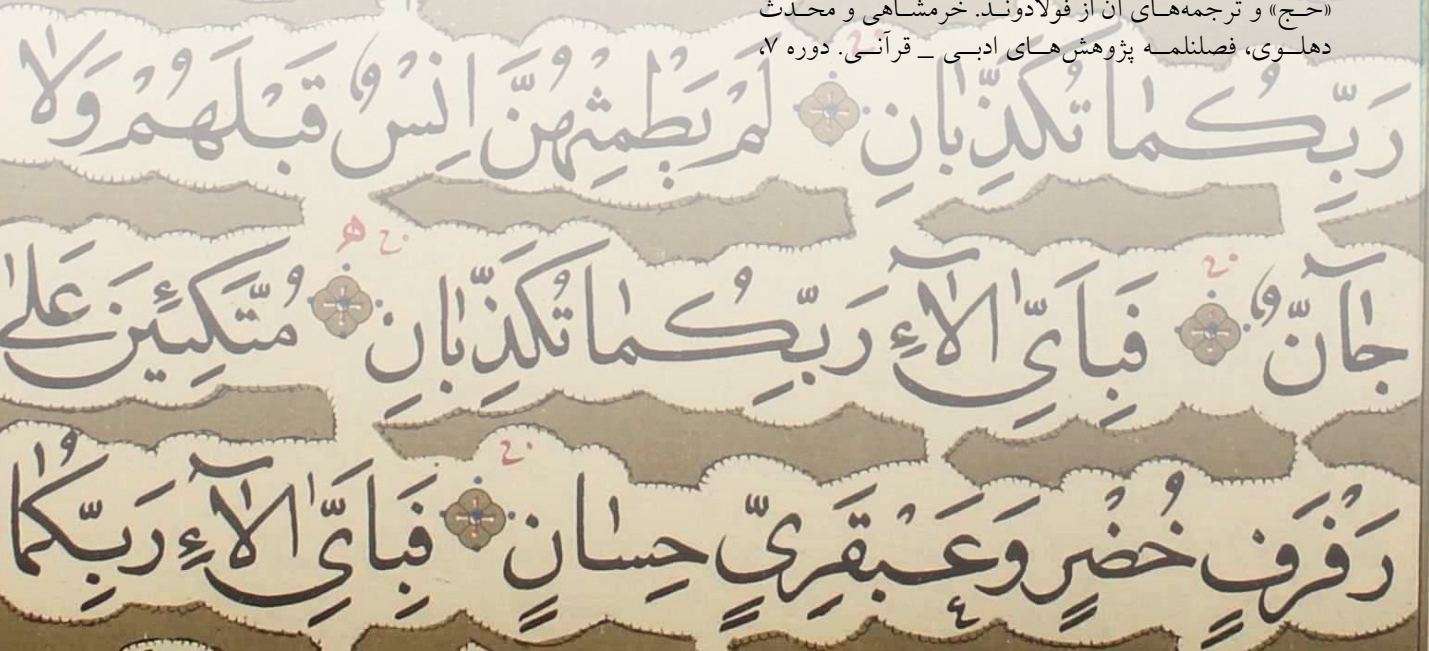
نظیری سنجان، فاطمه؛ شیخ حسنی، زهرا؛ شیخ حسنی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). بیان نمونه‌هایی از فراعجازی در قرآن کریم. مجموعه خلاصه مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهیدبهشتی: تهران، ۱۲۲.

هرامی، مهدی؛ اصغری بایقوت، یوسف. (۱۳۹۶). شیوه‌های ساخت بستر و فضای مناسب برای پرداخت معانی در قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هشتم، شماره ۲۹، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ۳۳-۴۸.

References

Ergin, M. (۲۰۰۲). Universiteler İcin Turk Dili. İstanbul.

Onkas, N. A. (۲۰۱۲). The phonetics and semantics relationship in poems. Social and behavioral science. ۴۷۳۰-۴۷۱۸.



ابوتراب

علی رستگار

کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه شیراز



نامت نهاد و دو عالم گزاره است
اصلا به پیش تو هستی چه کاره است؟!
این جا به غیر تو حرفی نمانده است
هر دم برای تو شکری دوباره است
شعری به قامت و صفت نمی رسد
برگی دریده و قلبی که پاره است
صبح از فراق تو در خون نشسته بود
شبها به عشق تو غرق شراره است
نور تو نیمه شب از عرش می چکد
دورت مدار هزاران ستاره است
چشمت به گن فیکون هم مسلط است
خلقت به حکم تو تنها اشاره است
تالیف لوح و قلم را چه می کنی؟
شاهها تو این همه غم را چه می کنی؟
وقتی فرشته شهابی رها کند
وقتی که حضرت آدم دعا کند
یا لحظه ای که زمین مرگ می چشد
یا لحظه ای که حیاتش بقا کند
یا وقت آمدن روح در جسد
وقتی که حضرت عیسی شفا کند
جایی که جادوی فرعون ازدهاست
موسی دمی که عصا را رها کند
یا لحظه ای که محمد، حبیب عرش
عزمی به معبد غار حرا کند
وقتی که فاطمه در پیش کعبه است
وقتی که رکن یمانی حیا کند
تالیف لوح و قلم را چه می کنی؟
شاهها تو این همه غم را چه می کنی؟
در ظهر ظاهر و باطن تو مظهري
شاهها تجلی الله اکبری
در تو تمام عجایب حقیقت است
حقا که همسر آیات کوثری
آغاز مرتبت هو نمود توست

با ختم مرتبتش هم برادری
ای عاشقان روی تو از ذره بیشتر
کی می رسد به تو از ذره کمتری
جایی که کل ملایک مهیمن اند
جایی که خال رخ هفت کشوری
تالیف لوح و قلم را چه می کنی؟
شاهها تو این همه غم را چه می کنی؟
خاکم به بستر گامت ابوتراب
بنده غلام غلامت ابوتراب
قولی ز رب رحیمت رسیده است
یاسین نموده سلامت ابوتراب
عقلی که عالم هستی نمود اوست
مانده ز فهم مقامت ابوتراب
از هو رسیده تمامت ابوالحسن
تا هو رسیده تمامت ابوتراب
آغاز روز الستی و تا ابد
ثبت است بر جریده دوامت ابوتراب
با دست فاتح درگاه خیبرت
با کاتبین کرامت ابوتراب
تالیف لوح و قلم را چه می کنی؟
شاهها تو این همه غم را چه می کنی؟



شب قدر در قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع)



احمد رضا پوردرویش
کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

با آغاز بعثت همراه است. شب قدر، به تقدیر امور نیز معروف است. قدر به معنای تنظیم و اندازه گیری است. در باب این نکته راغب اصفهانی می گوید: «شب قدر یعنی شبی برای تنظیم امور مخصوص، که خدا آن را آماده کرده است» و نیز قرآن کریم می فرماید: «فیها یفرق کل امر حکیم؛ در آن شب هرکاری بر طبق حکمت خدا تعیین و تنظیم می گردد». یکی دیگر از مسایل مهم در مورد شب قدر، امامت و بقای آن است. امام علی (ع) می فرماید: «به حقیقت، شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در آن شب نازل می شود و به راستی برای آن امر، صاحبان امری است». از حضرت پرسیده شد چه کسانی هستند؟ فرمودند: «من و یازده {امام} از نسل من که همه {امامان محدث} کسانی که فرشتگان را نمی بینند اما صدای آن ها را می شنوند {می باشند}».

در برخی از روایات، ولایت امیر المومنین علی (ع) و ائمه مصومین (ع)، جزئی از تقدیرات این شب می باشد. با توجه به آیات سوره قدر، می توان به فضیلت های بی شمار شب قدر پی برد.

از جمله:

۱. قرآن در آن ماه نازل شده است.
۲. عبادت در آن بیش از هزار شب است.
۳. رحمت و لطف خاص شامل حال بندگان می شود.
۴. برکات الهی در آن شب نازل می شود.

تقدیر و سرنوشت انسان در شب پر فضیلت قدر، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با اخلاق و رفتار اختیاری هر فرد دارد. همانطور که خداوند متعال، در خصوص سختی ها و مصیبت هایی که دامن گیر بندگان می شود، می فرماید: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ؛ ای انسان! آنچه از نیکی به تو رسد از خداست و آنچه از بدی به تو برسد از نفس توست». قدر، به معنای پیوند و شکل گیری هر پدیده و حادثه ای با سلسله ای علل خود است؛ به بیانی دیگر، در شب پر فضیلت قدر، پروردگار متعال به علم خود می داند که هر کاری در مکان و زمان خاصی به چه صورت و با توجه به کدام شرایط و علل تحقق می یابد و می داند که فلان انسان با اختیار و خواست خود کدام کارها را انجام می دهد.

شب قدر، از بهترین زمان ها برای راز و نیاز با پروردگار تبارک و تعالی است. این شب را با عناوینی مانند (بهار استغفار) یاد می کنند. جایگاه و اهمیت شب قدر تا به آن جایی است که در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «قلب ماه رمضان، شب قدر است». ارزش قلب، برای تمام موجودات، به خصوص اشرف مخلوقات، واضح و روشن است؛ چرا که قلب منبع حیات و نشاط معرفی می شود. در پی این امر است که انسان چشم طمع و امید به این شب های پر برکت پیدا می کند.

طبق آیاتی که در سوره قدر وجود دارد از جمله: آیه ۴ قدر که می فرماید: «تَنْزِيلُ الْمَلٰٓئِكَةِ وَ الرُّوْحُ فِيهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ». شب قدر تنها برای ما انسان ها نیست و فرشتگان الهی نیز چشمی به برکات این شب عزیز دارند؛ یا به تفسیر دیگری از این آیه، با نزول فرشتگان بر قلب پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) در شب قدر، ارتباط زمین با آسمان، مُلک با ملکوت و طبیعت با ماوراء طبیعت برقرار می شود.

با وجود تمام آیات و احادیث گرانقدر معصومین (ع)، درک شب قدر، کاری مشکل و بیان جایگاه (قدر) امری سخت و دشوار است. همانطور که قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «وَمَا اُذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ تو چه دانی شب قدر چیست؟»

در اهمیت شب قدر همین بس که خداوند در سوره قدر در وصف آن می فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ؛ شب قدر از هزار شب بهتر است».

خداوند در قرآن کریم می فرماید که این کتاب آسمانی در ماه رمضان نازل شده است؛ سوالی که ممکن است ما با آن مواجه شویم این است که در کدام شب از شب های این ماه عزیز نازل شده است؟

پاسخ بسیار ساده است. با مراجعه به آیات قرآن کریم متوجه می شویم که قرآن کریم در یکی از آیات خود می فرماید: «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ ما {قرآن را} در شب قدر نازل کردیم» و در دیگر آیه می فرماید: «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةٍ مُّبْرَكَةٍ؛ که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم». پس باید بگوییم، نزول قرآن کریم بر عظمت و منزلت شب قدر افزوده است. در این بین یک نکته حائز اهمیت است که این نزول، به صورت دفعی بر قلب پیامبر اسلام (ص) است و نه نزول تدریجی که آغاز آن



گزارش جشن طلوعی کرامت به مناسبت میلاد باسعادت امام حسن مجتبی (ع)

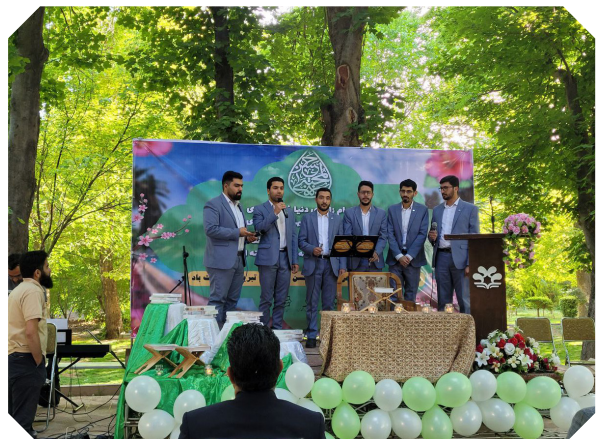
فاطمه سلحشور
کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز



کانون قرآن و عترت (ع) دانشگاه شیراز به مناسبت میلاد باسعادت امام حسن مجتبی (ع) درصدد برگزاری مراسم جشنی برآمد. از آنجاکه بعد از شیوع ویروس کرونا، اجرای مراسم شادی اهل بیت (ع) در سطح شهر و مراکز عمومی کم رنگ شده بود، برآن شدیم تا با اجرای این مراسم در یکی از اماکن فرهنگی شهر، نشاط معنوی را علاوه بر دانشجویان، در بین شهروندان نیز گسترش دهیم. بدین منظور تصمیم گرفته شد که در باغ ارم که از مراکز فرهنگی مورد توجه در شیراز می باشد، این برنامه انجام گیرد.

عظیمی، قاری ممتاز استان فارس، با تلاوت مجلسی آیاتی از کلام الله مجید، مجلس را نورانی فرمودند. در ادامه ی برنامه، مسابقه ای برای تعدادی از آقایان حاضر در مراسم برگزار شد و به ۳ نفر از برگزیدگان جوایزی تقدیم شد. پس از آن، گروه کانون موسیقی دانشگاه شیراز قطعه ای موسیقی را به صورت زنده اجرا کردند که مورد توجه عموم مردم قرار گرفت. به دنبال اجرای موسیقی، مسابقه ای برای بانوان نیز برگزار شد و به هر سه شرکت کننده جوایزی تقدیم شد.

مراسم در روز یکشنبه مورخ ۲۸ فروردین ۱۴۰۱ ساعت ۱۷، با پخش سرود ملی و تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط جناب آقای پرنسک که از قاریان مطرح استان فارس می باشند، آغاز شد. پس از آن آقای اسماعیل حسین زاده، مجری برجسته استان، ضمن خوش آمدگویی به مهمانان، توضیحاتی پیرامون مراسم ارائه دادند. در ادامه جناب آقای دکتر مومن زاده، مدیر محترم فرهنگی دانشگاه، به بیان برخی از ویژگی های اخلاقی امام حسن مجتبی (ع) و سیره ی عملی ایشان پرداختند. برنامه با اجرای قطعاتی توسط گروه تواشیح امین ولایت، از آستان مقدس حضرت احمدابن موسی (ع)، ادامه یافت. پس از گروه تواشیح، جناب آقای میلاد





در حاشیه‌ی مراسم، آیاتی از قرآن کریم را (به انتخاب خود افراد) برای مهمانان برنامه، کتابت و به رسم یادبود به ایشان هدیه می‌کردند. مراسم در باغ ارم با استقبال بسیار چشم‌گیر دانشجویان و اقشار مختلف مردم روبه‌رو شد؛ به‌طوری‌که محوطه‌ی مربوطه مملو از جمعیت مشتاق شده بود. در پایان مراسم به اطلاع حضار رسانده‌شد که برای اقامه‌ی نماز جماعت و صرف افطاری مختصر به مسجد دانشگاه مراجعه فرمایند.

پس از اقامه‌ی نماز، با تقدیم بسته‌های پذیرایی و آتش نذری، مهمانان بدرقه شدند. همچنین تعدادی بسته پذیرایی برای دانشجویان خوابگاهی که امکان حضور در برنامه برایشان فراهم نشده بود، ارسال شد.



فرهنگ پهلوانی در سیره‌ی اهل بیت



زهرا شمشیری
دانش آموخته‌ی حقوق دانشگاه شیراز

پیوسته با برجسته نمودن نقش فرد در تکامل خویش و سپس نقش فرد در تکامل جامعه از طریق عمل به حسنات، فرهنگ پهلوانی را به تمام انسان‌ها در طول تاریخ معرفی نمودند تا ما نیز با الگو پذیرفتن از سیره‌ی این بزرگواران به سعادت و نیک نامی دست یابیم.

در مقابل دیدگان عیان نمودند. اهل بیت(ع) طریق رستگاری را در رعایت اخلاقیات می‌دانستند. ایشان ویژگی‌ها و سجایای مطلوب انسانی از قبیل؛ صداقت، امانت داری، پاکدامنی، تعهد، انصاف و سایر اوصاف اخلاقی را مایه‌ی سعادت فرد و جامعه می‌شمردند. ایشان

پهلوانی در لغت و ادبیات پارسی، به معنای جوانمردی و رعایت اصول اخلاقی و انسانی است. اهل بیت(ع) نیز به عنوان سردمداران قافله‌ی انسانیت، همواره با اندیشه و گفتار و کردار شایسته‌ی خویش، پهلوانانه زیستن را به نیکی ترویج و حقیقت زیبایی را به وضوح





تغاله به دیوان حافظ ...

بنگر که از کجا به کجا می فرستمت
 زین جا به آشیان وفا می فرستمت
 می بینمت عیان و دعا می فرستمت
 در صحبت شمال و صبا می فرستمت
 جان عزیز خود به نوا می فرستمت
 می گویمت دعا و ثنا می فرستمت
 کآینه‌ی خدای نما می فرستمت
 قول و غزل به ساز و نوا می فرستمت
 با درد صبر کن که دوا می فرستمت
 بشتاب هان که اسب و قبا می فرستمت

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت
 حیف است طایری چو تو در خاکدان غم
 در راه عشق مرحله‌ی قُرب و بُعد نیست
 هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر
 تا لشکرِ غمت نکند مُلکِ دل خراب
 ای غایب از نظر که شدی همنشین دل
 در روی خود تَفَرُّجِ صنَعِ خدای کن
 تا مطربان ز شوقِ مَنّتِ آگهی دهند
 ساقی بیا که هاتِفِ غییم به مزده گفت
 حافظ سرودِ مجلس ما ذکرِ خیرِ توست





درخشش و کسب مقام اول کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز در هفتمین جشنواره دانشگاهی رویش

بخش رقابت بین کانون‌های فرهنگی:

مقام اول در بخش رقابتی کانون برتر
مقام اول در بخش ایده و طرح برتر کانونی
مقام دوم در بخش جایزه ویژه مسئولیت اجتماعی

بخش‌های فردی و گروهی اعضاء:

رتبه اول خوشنویسی: آرین محزون
رتبه دوم دکلمه خوانی: افسون حمیدی
رتبه دوم گویندگی و اجرا: زهرا قاسمی
رتبه اول موسیقی مذهبی: گروه تواشیح کانون قرآن و عترت
(سرپرست گروه: رضا توفیق‌زاده)

بخش چهره‌های موفق کانونی:

زهرا قاسمی، افسون حمیدی،
آرین محزون، سیده محبوبه کشفی



اعضای شورای مرکزی و فعال کانون در سال تحصیلی (۱۴۰۱_۱۴۰۰)

فاطمه سلحشور (دبیر)، محمد کریمی (نائب دبیر)، کثوم رضایی
آرین محزون، نسیمه سعادت، الهه پیرکدویی، علیرضا ستایشگر
زهرا قاسمی، سیده محبوبه کشفی، مهسا پرمو، افسون حمیدی، ثمین توان، پگاه
سبزلون، ماندانا پرستنده خیال، فاطمه چترابنوس، زینب مختاری، مهروش مهبودی



سندت فرنگی و جماعتی اسلام، شهریار



((اِحْذَرِ الْغَضَبَ فَإِنَّهُ جُنْدٌ عَظِيمٌ مِنْ جُنُودِ ابْلِيسَ))

از خشم بپرهیز که آن، سپاهی بزرگ از سپاهیان شیطان است

(امام علی (ع))

چهل روز تادیب و کنترل خشم:

چهل روز مبارزه با نفس

در پایان چله برگزاری مسابقه و ۵ نفر برگزیده

شروع چله از ۸ ذی القعدة تا روز مبارك عيد غدیر

کانون قرآن و عترت (ع) دانشگاه شیراز برگزار می کند



مولا توری می خوانند

نخستین طرح ملی نهج البلاغه خوانی
دانشجویان سراسر کشور
(مطالعه‌ی بخش حکمت‌ها)

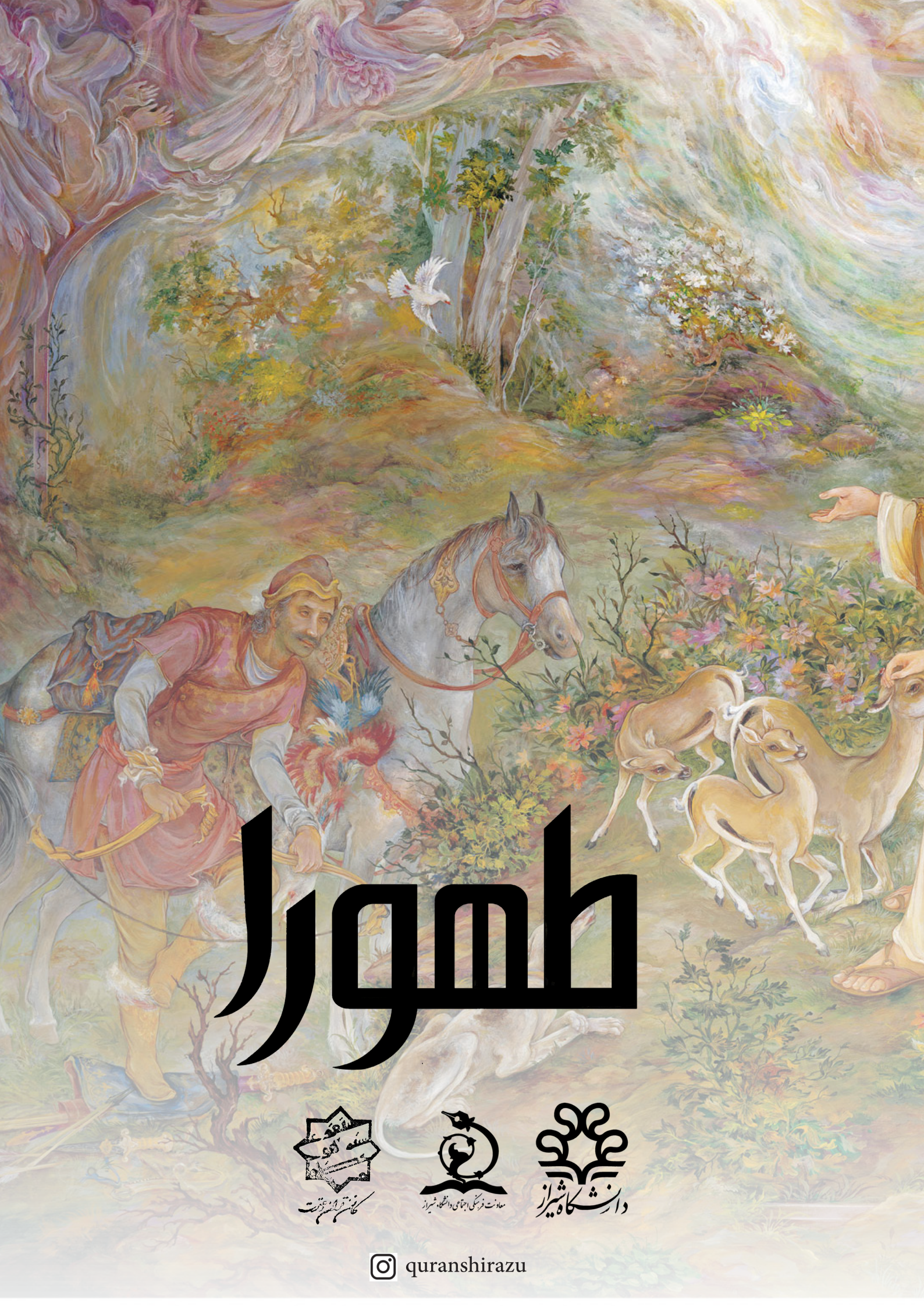
با تدریس هفتگی استاد گرامی حجت‌الاسلام مهدوی‌ارفع
بنیانگذار نهضت جهانی نهج البلاغه خوانی

شروع دوره: ۲۰ بهمن ۱۴۰۰
هر هفته ۸ جایزه ۵۰ هزار تومانی برای ۸ نفر

زمان برگزاری جلسات آموزش و پرسش و پاسخ چهارشنبه‌ها ساعت ۱۹
همراه با اهدای گواهی پایان دوره، یک جلد کتاب شریف نهج البلاغه و
جوایز نقدی ارزنده برای برگزیدگان آزمون پایان دوره

برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر به شماره ۰۹۱۷۸۰۶۲۵۴۸
در واتساپ پیام ارسال فرمایید و به آیدی
@Quranshirazu_nahjolbalaghe در   

مراجعه فرمایید.



طه



دانشگاه شیراز